

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
چهارشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۷۵ - ۱۲ مارس ۱۹۹۷ - دوره سوم - شماره ۱۵۳  
KAR. No. 153 Wednesday 12 Mars. 1997



### کارگران ایران آماده پیگیری مطالبات خود هستند

- رژیم به بازداشت، شکنجه و اعدام فعالین اعتراضات مردمی، ادامه می دهد
- کارگران جهان به همبستگی با طبقه کارگر ایران برخاسته اند
- بزرگترین سندیکاهای کارگری فرانسه، آلمان و انگلستان خواهان آزادی کارگران بازداشتی نفت شدند

کارگران می خواهند که به حکومت وفادار بمانند. اما ایفای چنین نقشی، در شرایطی که رژیم سیاست سرکوب آشکار را در پیش گرفته است، روز به روز دشوارتر می شود.

سران حکومت نشان داده اند با کارگران اعتصابی با همان زبانی حرف می زنند که با سایر ناراضیان، بلافاصله پس از تظاهرات اعتراضی کارگران در تهران، مأموران وزارت اطلاعات گروه نامعلومی از کارگران را در تهران و سایر شهرها دستگیر کرده اند و تحت شکنجه و فشار قرار داده اند. علیرغم آن که گروهی از بازداشت شدگان بعداً آزاد شدند، اما هنوز شمار نامعلومی از کارگران در بازداشت به سر می برند. حکومت اسلامی در برابر اعتراض گسترده کارگران نفت، سانسور شدیدی را برقرار کرده و به روزنامه ها و رسانه های جمعی داخلی اجازه درج حتی اخبار تحریف شده اعتراض کارگران را نداد. علیرغم بقیه در صفحه ۳

بازداشت کارگران اعتصابی، خواسته دیگری را نیز بر خواسته های کارگران اضافه کرده است. علیرغم جو سرکوب و ارباب، آزادی کارگران بازداشتی، در برخی جاها با صدای رسا و در برخی جاها به طور غیر مستقیم خواسته می شود.

سیاست سرکوب گرانه رژیم در برابر کارگران نفت، حتی نگرانی محافلی از خود رژیم را برانگیخته است. آنان که هشیارترند، از عواقب مقابله رژیم با کارگران نفت در هراسند. هیچ کس در ایران نقش نفتگران را در سرنگونی حکومت شاهنشاهی فراموش نکرده است. خانه کارگر، که خود را نماینده کارگران می داند و در واقع تشکیلی وابسته و مدافع حکومت است، در صدد است که نقشی میانجی گرانه میان کارگران و رژیم ایفا کند و از سران حکومت می خواهد که به پارادایم از خواسته های صنفی کارگران تن دهد تا آنان به مقابله با جمهوری اسلامی کشیده نشوند، و از

در حالی که یک ماه از اعتصاب کارگران نفت تهران و دستگیری و بازداشت صدها نفر از کارگران معترض می گذرد، و رژیم اسلامی با خسوت بسیار کوشیده است از گسترش این اعتراضات جلوگیری کند، کارگران بیشتری برای پیگیری خواسته های خود آمادگی نشان می دهند. در رأس این خواسته ها در شرایط فعلی، افزایش دستمزدها قرار گرفته است. دولت هر سال در اسفند ماه در مورد میزان و چگونگی افزایش حقوق های کارگری تصمیم می گیرد. اعتصابات و تظاهرات کارگران نفت، باعث شده است که کارگران با انرژی، شجاعت و پیگیری بیشتری خواهان افزایش مناسب دستمزدها شوند. نمایندگان کارگران هشدار داده اند که ارقام پیشنهادی از سوی سازمان های دولتی را نمی پذیرند و خواستار آن هستند که دستمزدها به میزانی افزایش یابد که بتواند با گرانی و تورم روز افزون، مقابله کند.

### ویژه ۸ مارس

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت روز جهانی زن در راه کسب برابرحقوقی در همه عرصه ها  
صفحه ۷

زنان در بازار جهانی کار  
صفحه ۷

نتایج مثبت و منفی جهانی شدن کار  
صفحه ۷

تمکین زن ایرانی، شیوه معتاد زندگی اوست  
نوشین احمدی خراسانی  
صفحه ۸

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
تداوم ترور و اعدام توسط جمهوری اسلامی  
در صفحه ۲

### شکاف در سد مردسالاری

گرامیداشت ۸ مارس، روز همبستگی جهانی زنان در مبارزه برای برابرحقوقی، در کشوری که ۱۸ سال است نظریه پردازان قیومیت مرد بر زن بر آن حکم می یابند، معنا و مفهوم ویژه ای دارد. هر سال ۸ مارس، در ایران نگاه به یک سالی که گذشته، نگاه به یک سال مبارزه زنان در دو جبهه نبرد علیه فرهنگ مردسالاری جامعه از یک سو و پیکار علیه تحمیلات حکومت از سوی دیگر است. زنان ایرانی می توانند به این مباحثات کنند که ۱۸ سال کارزار تمام عیار حکومت فقها برای پایمال کردن حقوق نسبی از جامعه، نتوانسته است زنان را از حضور در عرصه های گوناگون حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محروم کند. رژیمی که از نخستین فرامین آن، حجاب اجباری برای زنان کارمند، لغو حق قضاوت برای زنان و جاری کردن فقه در حقوق قضایی بود، علیرغم ۱۸ سال تحمیل های گوناگون به زنان ایرانی، و علیرغم لجام گسیختن عقب مانده ترین گرایش های مردسالارانه و زن ستیزانه موجود در جامعه، نتوانسته است در راندن زنان به کنج خانه ها، به اهداف خود دست یابد.

مبارز: پیگیری زنان برای تحقق حقوق خود و اثبات بطلان باورهای قرون وسطایی مبنی بر نابرابری زن و مرد، اکنون حکومت فقها را به عقب نشینی هایی واداشته است. عقب نشینی هایی که ارتجاعی ترین نیروهای حاکمیت و روحانیت را بر آن داشته است که علیه ورزش زنان از ۵ آیت الله فتوا بگیرند، باندهای سیاه چماق دار و اسیدپاش را برای مقابله با زنان، به معابر و اماکن عمومی بفرستند و در هیئات از شکاف افتادن در سدهای مردسالاری، موعظه و شکوه کنند.

بالا گرفتن بحث درباره حقوق زنان و کشاکش جناح های حکومتی پیرامون مرزهای تحمل حضور زنان در زندگی اجتماعی، ثمره مبارزه زنان ایرانی است که گاه، آهسته و پیوسته، و گاه با دفاع صریح از حقوق خود و محکوم کردن مردسالاری، پا به میدان می نهند. در حالی که قوانین و مقررات ارتجاعی جمهوری اسلامی، فعالیت زنان را در بسیاری عرصه ها غیرممکن کرده است، زنان کشور ما با استفاده از همان مجال تنگی که مردسالاری حاکم باقی گذاشته است، هر چه بیشتر نشان داده اند که خیزمبات به هم یافته آخوندها در ترویج برتری مرد بر زن، تا چه حد با واقعیات مسلم مغایر است. حضور نزدیک به ۳۰ درصد دانشجوی دختر در دانشگاه ها، نمایانگر مبارزه برای به دست آوردن فرصت های برابر تحصیلی و تحول در فرهنگ جامعه ای است که هنوز این تصور بر بخش های بزرگی از آن حاکم است که آموختن حرفه، به درد زن نمی خورد. مسنولیت های دیگری مانند قضاوت و نیز احراز پست های عالی اداری، چه توجیهی دارد؟

اکنون زنان حقوقدان و محقق ایرانی، با انتشار کتب و مقالات و نشریات، با فعالیت های ارزشمند پژوهشی برای تغییر قوانین مردسالارانه موجود می کوشند. زنان پژوهشگر و توانا، با حضور تأثیرگذار در فرهنگ و هنر و ادبیات، در شکل دادن به حیات فکری جامعه نقش فعالی بر عهده گرفته اند. زنان اندیشمندان، برای اینکه بقیه در صفحه ۲

رژیم اسلامی ۸ تن از زندانیان سیاسی را اعدام کرد  
● کیوان شاکری، مهرداد مقدم، علیرضا مجدلی، فرهاد قائم  
و چهار تن دیگر به جوخه اعدام سپرده شدند  
در صفحه ۲

### ابراهیم یزدی و عزت الله سبحانی نامزد مقام ریاست جمهوری شدند

نهیض آزادی ایران روز سه شنبه ۱۴ اسفند با انتشار اطلاعیه ای دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی را رسماً به عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری معرفی کرد. در این اطلاعیه گفته شده است که دکتر یزدی به زودی سیاست ها، مواضع و برنامه های خود در زمینه های سیاسی، اعتقادی و مدیریتی کشور به اطلاع مردم خواهد رساند. در اطلاعیه نهضت آزادی با

اشاره به فقدان آزادی فعالیت احزاب سیاسی مستقل و غیر وابسته به حاکمیت، آمده است: «شرکت نهضت آزادی در انتخابات ریاست جمهوری، همانند شرکت در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، نه برای کسب قدرت، بلکه برای اتمام حجت و واداشتن حاکمیت به عقب نشینی در برابر ملت و تن دادن به حقوق و بقیه در صفحه ۳

### هزاران نفر در زلزله اردبیل کشته و زخمی شدند

- بر اثر زلزله بیش از ۷۰ هزار نفر بی خانمان شده اند
- هواپیمای باری حامل آذوقه به اردبیل سقوط کرد
- ۱۲۰ روستا و ۹۰ مدرسه ویران شده اند

بر اثر زمین لرزه ای که بعد از ظهر روز جمعه ۱۰ اسفند ماه در شمال غرب ایران در استان اردبیل روی داد، چندین هزار نفر کشته و زخمی شدند. این زلزله که ۱۵ ثانیه طول کشید و شهرها و روستاهای بین سراب در آذربایجان شرقی، مشکین شهر، اردبیل و بخش های سرعین در دامنه سبلان را

لرزاند، به ویرانی و نابودی دهها روستا، مدرسه و بی خانمانی و آوارگی بیش از ۷۰ هزار نفر منجر شد. قدرت زلزله را مرکز لرزه نگاری دانشگاه تهران ۵/۵ درجه در مقیاس ریشتر ثبت کرده است. بنا به گزارش شبکه لرزه نگاری استان آذربایجان بقیه در صفحه ۲

### بهار می شود

نفس زنان و خسته می رسد غریب موج کشتزار می شود در آسمان گروه گل های ابر ز هر کناره می رسد	یکی دو روز دیگر از پگاه چو چشم باز می کنی زمانه زیر و رو زمینه پرنگار می شود
به هر کرانه می دود به روی جلگه ها ببار می شود	زمین شکاف می خورد به دشت سبزه می زند هر آنچه مانده بود زیر خاکت هر آنچه خفته بود زیر برف جوان و شسته رفته آشکار می شود
درین بهار... آه چه یادها چه حرف های ناتمام دل پر آرزو چو شاخ پر شکوفه باردار می شود	به تاج کوه ز گرمی نگاه آفتاب دهان دره ها پر از سرود چشمه سار می شود بلور برف، آب می شود
نگار من امید نوبهار من لبی به خنده باز کن ببین چگونه از گلن خزان باغ ما بهار می شود سیاوش کسرانی	نسیم هرزه پو ز روی لاله های کوه کنار لاله های کبک فراز خارهای دفتر کت

### بهاران خجسته باد

فرارسیدن نوروز، این عید کهنسال همیشه جوان، و نورایی بر طراوت طبیعت را به شما هم میهنان عزیز تبریک می گویم و سالی سرشار از شادمانی و پیروزی برایتان آرزو می کنم.  
گرچه سال گذشته نیز حلقه ای بر زنجیره ایام تاریک زمستانی حاکم بر کشورمان بود، که در آن با جهل و جور جمهوری اسلامی جولان می داد، استبداد بر دهانتان و دستها بند می زد، گرانی سفره خالی دهها میلیون زحمتکش را خالی تر می کرد، و محنت فردای ناروشن جان پیر و جوان را می فرسود.  
امیدوار باشیم اعتراض اوچگیر مردم، که برآمد کارگران نفت آخرین نمونه آن است، توفیق بخش هایی از نیروهای ترقیخواه کشورمان در دستیابی به همزبانی و همگامی، ابرویاختگی بی سابقه جهانی و تنگنای چشم خودساخته جمهوری اسلامی، نوید عطر پایدار بهاری در حیات کشور، و نشانه های واقعی این آرزوی آغازین هر سال نو باشد که:  
صد سال به از این سالها.

کارکنان کار

### صدور رای نهایی دادگاه می کونوس

### بار دیگر به تعویق افتاد

انگیزه عمل عباس رایل، روند عادی یک محقق و کارشناس اسلام را برای ادای شهادت به دادگاه دعوت کند. به تقاضای قضات دادگاه، هانس هال، استاد اسلام شناس آلمانی در دادگاه حاضر شد و اظهار داشت که در اسلام موردی به عنوان دستور قتل وجود ندارد. وی افزود: اگر در تهران چنین دستوری صادر شده باشد، فقط می تواند به صورت فتوا بوده باشد و فتوا نیز برای هر مسلمانی قابل گریز است و ارزشی بیش از یک «نظریه» ندارد.

قرار بود تا نیمه ماه مارس، دادگاه می کونوس که به پرونده ترور دکتر صادق شرفکندی رهبر فقیه حزب دمکرات کردستان ایران و سه تن از یاران وی رسیدگی می کند، بعد از شنیدن آخرین دفاعیه های وکلای مدافع متهمین رای نهایی را صادر کند. اما با ترفند تازه جمهوری اسلامی باز هم صدور رای به تعویق افتاد.  
هفته گذشته وکیل مدافع عباس رایل متهم ردیف دوم که دادستان در کیفرخواست خود خواهان حداکثر مجازات برای وی شده است با اظهار این مطلب که رایل به عنوان فرد مسلمان مذهبی، بر اثر اعتقاداتش رفتار کرده و باید به آن رسیدگی شود، از دادگاه خواست برای روشن شدن

در صفحه ۹

● «تنها توفان کودکان ناهمگون می زاید»  
امیر ممینی

● حماسه ای که حسن فرجودی آفرید!

## تقویم ایرانی یک میراث فرهنگی

فرا رسیدن نوروز، عید سال نو، ما ایرانیان، بهانه‌ای است تا درباره یک میراث فرهنگی سخن بگوییم که کمتر موضوع مقالات و نوشته‌ها در گرامرآمیزان نوروز است. در اغلب نوشته‌ها به مناسبت نوروز، رسوم فولکلوریک و نمادگونه نوروزی است که در مرکز توجه است. به نوروز به مثابه آغازگر تقویم ایرانی، که یکی از مهم‌ترین میراث‌های فرهنگی ماست، کمتر پرداخته می‌شود. حال آنکه می‌توان به جرات گفت تقویمی که از پیشینیان ایرانی ما به ما رسیده است، در سایر فرهنگ‌های جهان بی‌نظیر است. این تقویم کهن، که حد هماغانه آن با چرخش و ریتم طبیعت، اعجاب‌آور است، نشانگر آن است که این فقط بسیاری از شعرا ایران نبوده‌اند که گاه قرن‌ها جلوتر از زمان خود می‌زیسته‌اند، بلکه سرزمین ما، مهد منجمان و ریاضی‌دانانی نیز بوده است که دقت مشاهدات و محاسبات آنها، با توجه به دوره‌ای که در آن به سر می‌بردند، شگفت‌انگیز است. هر سال ما ایرانیان هنگام تحویل سال، دور سفره هفت‌سین می‌نشینیم و منتظر لحظه‌ای می‌شویم که به وقت یک ثانیه در همه تقویم‌ها آمده است. هر سال، از روزها پیش می‌خواهیم بدانیم که تحویل سال، چه لحظه‌ای است. هر سال، در ساعتی دیگر آغاز می‌شود و شخصیت ویژه خود را می‌یابد. گاه به نظر می‌رسد اگر هر سال، نیمه شب بین ۲۹ (یا ۳۰) اسفند را جشن می‌گیریم، ممکن بود در خاطراتی که از سال‌های پیاپی در ذهن می‌ماند، اغتشاش ایجاد شود. با تقویم ایرانی، مثلاً می‌توانیم بگوییم: آن نوروزی که تحویل سالش چهار صبح بود، یا فلاتی در فلانجا بود. زمان و خاطرات مشترک، ویژگی و برجستگی خود را می‌یابد. در مقابل، اگر هر سال در ساعت معینی تحویل سال را جشن می‌گیریم، شاید این مراسم مکرر و متوالی، بخشی از جذابیت خود را از دست می‌داد.

اینگونه جشن گرفتن سال نو، نشانگر حد هماهنگی و نزدیکی اجداد ما به چرخه و ریتم طبیعت است. اقلیم ایران، با چهار فصلی که در اغلب نقاط سکونت ما ایرانیان، کاملاً از هم قابل تشخیص است، از هزاران سال پیش به ایرانیان این امکان را داده است که زندگی خود را با گردش زمین به دور خورشید و علائم متناوب و آشکار آن در زندگی زمین تنظیم کنند. ایرانیان شاید مدت زیادی نباشد که می‌دانند یک سال خورشیدی، ۳۶۵ شبانه‌روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۰۸/۴۶ ثانیه است، اما از قرن‌ها پیش می‌دانستند که طول مدت سال خورشیدی قابل قسمت بر طول شبانه‌روز نیست و از این رو، هر نوروز لحظه تحویل سال، لحظه‌ای دیگر است.

در تاریخ آمده است که ایرانیان از زمان استیلا بر مصر، که در دوره پادشاهی کمبوجیه روی داد، از روش گاهشماری مصریان که طول سال را ۳۶۵ روز می‌دانستند، اقتباس کردند و تقویم اوستایی را بر همین مبنا بنیاد نهادند. تمدن رومی نیز که بعدها سراسر اروپا را فرا گرفت، تقویم ابداعی مصریان را از دوره امپراتوری ژولیوس سزار کیصر روم پذیرفت و تقویم ژولیایی (یولیایی) را بر اساس آن فراهم آورد. در این تقویم، طول سال خورشیدی ۳۶۵ روز و هر چهار سال یک بار، ۳۶۶ روز است. ابوریحان بیرونی در کتاب التمهید خود می‌نویسد:

فرا رسیدن نوروز، عید سال نو، ما ایرانیان، بهانه‌ای است تا درباره یک میراث فرهنگی سخن بگوییم که کمتر موضوع مقالات و نوشته‌ها در گرامرآمیزان نوروز است. در اغلب نوشته‌ها به مناسبت نوروز، رسوم فولکلوریک و نمادگونه نوروزی است که در مرکز توجه است. به نوروز به مثابه آغازگر تقویم ایرانی، که یکی از مهم‌ترین میراث‌های فرهنگی ماست، کمتر پرداخته می‌شود. حال آنکه می‌توان به جرات گفت تقویمی که از پیشینیان ایرانی ما به ما رسیده است، در سایر فرهنگ‌های جهان بی‌نظیر است. این تقویم کهن، که حد هماغانه آن با چرخش و ریتم طبیعت، اعجاب‌آور است، نشانگر آن است که این فقط بسیاری از شعرا ایران نبوده‌اند که گاه قرن‌ها جلوتر از زمان خود می‌زیسته‌اند، بلکه سرزمین ما، مهد منجمان و ریاضی‌دانانی نیز بوده است که دقت مشاهدات و محاسبات آنها، با توجه به دوره‌ای که در آن به سر می‌بردند، شگفت‌انگیز است. هر سال ما ایرانیان هنگام تحویل سال، دور سفره هفت‌سین می‌نشینیم و منتظر لحظه‌ای می‌شویم که به وقت یک ثانیه در همه تقویم‌ها آمده است. هر سال، از روزها پیش می‌خواهیم بدانیم که تحویل سال، چه لحظه‌ای است. هر سال، در ساعتی دیگر آغاز می‌شود و شخصیت ویژه خود را می‌یابد. گاه به نظر می‌رسد اگر هر سال، نیمه شب بین ۲۹ (یا ۳۰) اسفند را جشن می‌گیریم، ممکن بود در خاطراتی که از سال‌های پیاپی در ذهن می‌ماند، اغتشاش ایجاد شود. با تقویم ایرانی، مثلاً می‌توانیم بگوییم: آن نوروزی که تحویل سالش چهار صبح بود، یا فلاتی در فلانجا بود. زمان و خاطرات مشترک، ویژگی و برجستگی خود را می‌یابد. در مقابل، اگر هر سال در ساعت معینی تحویل سال را جشن می‌گیریم، شاید این مراسم مکرر و متوالی، بخشی از جذابیت خود را از دست می‌داد.

اینگونه جشن گرفتن سال نو، نشانگر حد هماهنگی و نزدیکی اجداد ما به چرخه و ریتم طبیعت است. اقلیم ایران، با چهار فصلی که در اغلب نقاط سکونت ما ایرانیان، کاملاً از هم قابل تشخیص است، از هزاران سال پیش به ایرانیان این امکان را داده است که زندگی خود را با گردش زمین به دور خورشید و علائم متناوب و آشکار آن در زندگی زمین تنظیم کنند. ایرانیان شاید مدت زیادی نباشد که می‌دانند یک سال خورشیدی، ۳۶۵ شبانه‌روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۰۸/۴۶ ثانیه است، اما از قرن‌ها پیش می‌دانستند که طول مدت سال خورشیدی قابل قسمت بر طول شبانه‌روز نیست و از این رو، هر نوروز لحظه تحویل سال، لحظه‌ای دیگر است.

در تاریخ آمده است که ایرانیان از زمان استیلا بر مصر، که در دوره پادشاهی کمبوجیه روی داد، از روش گاهشماری مصریان که طول سال را ۳۶۵ روز می‌دانستند، اقتباس کردند و تقویم اوستایی را بر همین مبنا بنیاد نهادند. تمدن رومی نیز که بعدها سراسر اروپا را فرا گرفت، تقویم ابداعی مصریان را از دوره امپراتوری ژولیوس سزار کیصر روم پذیرفت و تقویم ژولیایی (یولیایی) را بر اساس آن فراهم آورد. در این تقویم، طول سال خورشیدی ۳۶۵ روز و هر چهار سال یک بار، ۳۶۶ روز است. ابوریحان بیرونی در کتاب التمهید خود می‌نویسد:

... پس این کسر را چگونه به کار برند اندر سال‌ها؟ به سال اکتاب چهار یک روز یله کنند، تا از وی به چهار سال، روزی حاصل آید، و آنکه او را بر روزهای سال بیفزایند تا جمله سیصد و شصت و شش روز شوند. و این فصل یسویانیان و رومیان و سریانیان و نیز آن قبلیان مصر بود و از زمانه انیسطس کیصر ملک روم باز. و این سال را به یسویانی اولمقیاس می‌نویسد:

## هزاران نفر در زلزله اردبیل کشته و زخمی شدند

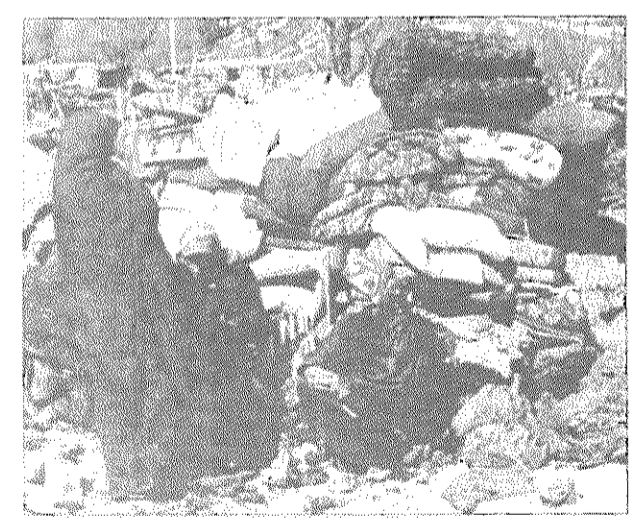
بقیه از صفحه اول  
شرقی، زمین لرزه استان اردبیل تا روز یکشنبه ۱۲ اسفند، بیش از ۲۰۰ بار پس‌لرزه در پی داشته است. شدیدترین پس‌لرزه، که عصر روز یکشنبه روی داد ۴/۴ درجه ریشتر بود. تا زمانی که لرزه‌ها ادامه داشت و زمین آرام نگرفته بود، مردم وحشت‌زده نگران بروز فاجعه عظیم‌تری بودند.

در گزارش‌های رسمی آمار دقیقی از میزان تلفات و خسارات ارائه نشده است. روزنامه اطلاعات که سه روز پس از وقوع زلزله آن را چاپ کرده است، رقم کشته‌ها را ۵۰۲ نفر و زخمی‌ها را بیش از ۲ هزار نفر ذکر کرده است. در سایر مطبوعات دولتی نیز در روزهای نخستین سانحه، عمداً تلاش شد حقایق از مردم پنهان ماند و فاجعه کشته و زخمی شدن هزاران انسان و نابودی هستی بیش از ۸۷۰ هزار نفر، حادثه عادی و رویدادی محلی تلقی گردد.

بر اساس گزارش خبرگزاری فرانسه و سایر منابع مستقل خبری، در اثر زلزله بیش از ۳ هزار نفر کشته، ۲۶۰۰ نفر زخمی شده‌اند و ۱۲۰ روستا با خاک یکسان گردیده است. در مناطق زلزله‌زده ۹۰ مدرسه به تلی از خشت و گل بدل شده‌اند.

در حالی که پس لرزه‌های شدید چند روز پس از زمین‌لرزه اصلی ادامه داشت و بازماندگان زلزله در سرمای ده درجه زیر صفر در میان تل‌های خشت و گل به دنبال مقفودین و یافتن رد عزیزانشان بودند، مقامات مسئول امداد رسانی اعلام کردند عملیات کاوش اجساد و نجات مصدومین خانم یافته و زلزله‌زدگان برای اسکان در چادرها به مشکین‌شهر و اردبیل انتقال یافته‌اند.

گزارش‌های رسیده دلالت بر آن دارند که میزان کمک‌های ارسالی دولت به زلزله‌زدگان بسیار ناچیز است و آسیب‌دیدگان آواره در سرمای شدید منطقه، در شرایط فوق‌العاده دشواری به سر می‌برند و به علت بارش سنگین برف، قطع راه‌های ارتباطی روستاهای زلزله‌زده و عدم انتقال سریع مصدومان به مراکز درمانی مجهز روز به روز بر تعداد قربانیان این فاجعه دلخراش افزوده



## خطر تحویل جمعی از پناهجویان ایرانی به جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول  
بنای گزارش‌های منتشر شده یازده تن از کردهای ایران در ترکیه توسط پلیس ترکیه دستگیر شدند و خطر تحویل دادن آنان به جمهوری اسلامی وجود دارد. این پناهجویان دارای پرونده درخواست پناهندگی در دفتر کمیساری عالی سازمان ملل در آنجا توسط پلیس ترکیه کاملاً غیرقانونی است. تحویل این پناهجویان به جمهوری اسلامی با خطر جانی جدی برای آنان همراه است. بنا به گزارش سازمان اتحاده فدائیان خلق افراد زیر توسط پلیس ترکیه

## اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) تداوم ترور و اعدام توسط جمهوری اسلامی

بنا بر گزارش‌های منتشره، جمهوری اسلامی ۸ تن از زندانیان سیاسی را در تاریخ ۳ اسفند اعدام کرده است. همچنین گزارش شده است که یک نفر از نفتگران به نام هاشم کاملی در زیر شکنجه و یک تن دیگر به اسم غلام برزگر بهنگام دستگیری در جریان تظاهرات کارگران پلاشگاه در مقابل وزارت نفت در تهران بر اثر شدت ضربات وارده کشته شده‌اند.

بنا بر اعلامیه سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) غلام‌رضا افشار از فعالین این سازمان که همراه علی مولایی از فعالین سازمان چریک‌های فدائی خلق (اقلیت) در تاریخ ۱۸ اکتبر ۱۹۹۶ در اسلام‌آباد پاکستان توسط عوامل جمهوری اسلامی ربوده شده بود، پس از شکنجه بسیار به دار کشیده شد و جسد وی در اطراف شهر کویته پاکستان افکنده شده است. جسد علی مولایی قبل از ۲۲ اکتبر در جاده‌ای در اسلام‌آباد یافته شده بود.

چهارتن از زندانیان سیاسی اعدام شده در ۳ اسفند ماه به نام‌های کیوان شاکری، مهرداد مقدم، علیرضا مجدی و فرهاد قائم از فعالین سازمان راه کارگر، دو تن وابسته به سازمان چریک‌های فدایی (اقلیت) بوده‌اند و دو تن دیگر به خاطر بهایی بودن به جوخه اعدام سپرده شده‌اند.

اوج‌گیری اعتراضات بخش‌های مختلف مردم بویژه مبارزات کارگران نفت و روشنفکران و نویسندگان در ماه‌های اخیر، رژیم را چنان‌بیکارانه به واکنش واداشته است. و این اعدام‌ها و ترورها جلوه‌ای از این نیت پلید رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را به نمایش می‌گذارد.

ما هموطنان خود را به مبارزه یکپارچه و همبسته علیه جمهوری اسلامی در درون و بیرون مرزهای کشور فرا می‌خوانیم و همدردی خود را با هم‌زمان و خانواده‌های قربانیان اعلام می‌داریم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)  
۱۹ اسفند ۷۵

## رژیم اسلامی ۸ تن از زندانیان سیاسی را اعدام کرد

سوم اسفند ماه سال جاری ۸ تن از زندانیان سیاسی توسط جمهوری اسلامی اعدام شدند. بنا بر اعلامیه هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) ۴ تن از اعدام شدگان از فعالین با سابقه این سازمان بودند که هر یک چندین سال را قبل از زندان‌های جمهوری اسلامی به سر بردند. اتهام آنها شرکت در تظاهرات اسلام‌شهر و اکبرآباد بوده است. دو تن از اعدام شدگان وابسته به سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (اقلیت) بوده و دو تن دیگر به خاطر بهایی بودن اعدام شدند.

کیوان شاکری (۳۳ ساله) از سال ۶۴ تا سال ۶۹، مهرداد مقدم از سال ۶۲ تا ۶۸، علیرضا مجدی از سال ۶۲ تا ۶۸ و فرهاد قائم متولد ۱۳۲۸ از سال ۶۲ تا

## شکاف در سد مردسالاری

بقیه از صفحه اول  
نیمی از اندیشه‌های دگرگون‌ساز در کشور بوزانند، به ترجمه کتاب‌های نویسندگان دیگر کشورها پرداخته‌اند و طبق آمار، بار ترجمه نیمی از کتاب‌هایی را که به زبان فارسی برگردانده می‌شود، بر عهده دارند.

اکنون حتی در مجلس شورای اسلامی نیز که تیول آخوندها و سایر مدافعان مردسالاری است، این بحث راه یافته است که قوانین و مقررات موجود، تا چه حد با سطح رشد و حضور زنان در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی خوانایی دارد. در زیر فشار بحث پدیده در افکار عمومی کشور و مصوبات مجامع بین‌المللی در دفاع از حقوق زنان، از آغاز کار مجلس پنجم، چندین طرح از سوی زنان نماینده برای برخی اصلاحات قانونی مطرح شده است.

این اصلاحات، در عین اینکه می‌تواند محلی برای رشد جنبش زنان و طرح مطالبات آن باشد، تضاد عمیق خواست‌های این جنبش را با حد اصلاحات حکومتی نشان می‌دهد.

جنبش زنان، نمی‌تواند به چیزی کمتر از برابری کامل زن و مرد در همه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قناعت باشد. بسیاری خواست‌های بنیادین جنبش زنان، با دستگیر شده‌اند: مصطفی سازوجی، کورش سالمی، مطلب قصادپور، موسی سعیدی، ایوب برزنجی، آرمان قاضی‌زاده، رحمان امینی، سارا وکیلی، غفور غفاری، شیوا آزاد.

چنین قرار داده‌اند.

## کارگران ایران آماده پیگیری مطالبات خود هستند

بقیه از صفحه اول  
سانسور سنگینی که رژیم برقرار کرده است، اخباری که از ایران می‌رسد حاکی از آن است که کارگران دستگیر شده در زیر فشار و شکنجه قرار گرفته‌اند و رژیم قصد دارد با اعمال فشار و ایجاد ترس و وحشت، مانع ادامه اعتراضات شود.

بنا به اطلاع سازمان کارگران انقلابی ایران، رژیم تنها چند روز پس از اعتصاب کارگران نفت در تهران، ۸ نفر از زندانیان سیاسی را اعدام کرده است. بنا به اطلاعیه این سازمان، ۴ نفر از اعدام شدگان که از وابستگان این سازمان بوده‌اند، در جریان تظاهرات دو سال پیش در اسلام‌شهر بازداشت شدند. اعدام آن‌ها دو سال پس از آن تظاهرات و در فاصله چند روز پس از تظاهرات کارگران نفت، پیام آشکاری است که رژیم به معترضین داده است. خبر این اعدام‌ها، نگرانی نسبت به سرنوشت کارگران بازداشتی نفت را دامن زده است.

اعتصاب کارگران و تهدیدهای رژیم علیه آنان، با واکنش جهانی بی‌سابقه‌ای مواجه شده است. کارگران، سندیکاهای و اتحادیه‌های کارگری در کشورهای مختلف به دفاع از کارگران نفت ایران برخاسته‌اند و با آنان و مطالبات برحقشان اعلام همبستگی می‌کنند. بزرگترین سندیکاهای کارگری در فرانسه، آلمان، انگلستان، آمریکا و برخی کشورهای دیگر، با کارگران نفت ایران اعلام همبستگی کرده‌اند و رژیم ایران را به خاطر سرکوب کارگران و بی‌اعتنایی به خواسته‌های آنان مورد انتقاد قرار دادند. کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (ث.ژت) در نامه‌ای به هاشمی رفسنجانی نوشت:

«به نام کارگران فرانسه، کنفدراسیون عمومی کار (ث.ژت)، اعتراض شدید خود را علیه سرکوب حقوق سندیکایی و حقوق بشر که دولت شما علیه کارکنان اعتصابی

کند»  
بریتانیا (تی.یوتی)، در نامه‌ای خطاب به سفیر جمهوری اسلامی ایران در لندن، «سرکوب بیرحمانه کارگران نفت ایران، که برای دستیابی به حقوق به حشاش تلاش می‌کردند» را محکوم کرده و رژیم ایران را به رعایت حقوق شناخته شده کارگری از جمله حق تجمع و اعتصاب ملزم کرده است. ۳۷ نفر از رهبران و فعالین جنبش کارگری و بیش از ۱۵۰ اتحادیه کارگری

کند»  
بریتانیا (تی.یوتی)، در نامه‌ای خطاب به سفیر جمهوری اسلامی ایران در لندن، «سرکوب بیرحمانه کارگران نفت ایران، که برای دستیابی به حقوق به حشاش تلاش می‌کردند» را محکوم کرده و رژیم ایران را به رعایت حقوق شناخته شده کارگری از جمله حق تجمع و اعتصاب ملزم کرده است. ۳۷ نفر از رهبران و فعالین جنبش کارگری و بیش از ۱۵۰ اتحادیه کارگری

## کشمکش بر سر منشأ «مشروعیت»

این کشور شیعه جرات می‌کند این حرف‌ها را بزند در حالی که فرهنگ شیعه می‌گوید ولایت علی از طرف خدا می‌باشد ... به عقیده ما این مطالب به دست دشمنان انقلاب و اسلام درست می‌شود و لو این که نویسندگانش نفهمد چه می‌گوید و ما حاضر نمی‌شویم که این نفهمی‌ها را تحمل کنیم». وی در ادامه اضافه کرد: «می‌توانیم نسبت به بعضی از جریاناتی که در این راستا از برخی نامزدها حمایت می‌کنند سکوت نکنیم».

به دنبال این اظهارات سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اطلاعیه‌ای صادر کرد و در آن به سخنان مهدوی کئی و پخش آن از صدای جمهوری اسلامی اعتراض نمود. در این اطلاعیه سؤال شده است: «چرا وظیفه طلایه‌داری مقابله با جناح رقیبی که نسبت به آن احساس خطر می‌شود به ایشان سپرده می‌شود؟ ... اظهارات اخیر حضرت آیت‌الله مهدوی کئی بخشی از آتش تهیه طیفشان به منظور «سالم‌سازی فضای انتخابات ریاست جمهوری است که مقرر شده ایشان

انتخابات ریاست جمهوری اسلامی بحث پیرامون نحوه تعیین ولایت فقیه و زاویه و نحوه تعریف مبانی نظام جمهوری اسلامی را بین نیروی درون و پیرامون جمهوری اسلامی حدت بخشیده است. این مجادلات خود را به شکل طرح بحث «حقانیت» و «مشروعیت» به نمایش گذاشته است. در مقاله‌ای به قلم دکتر هاشم آقاچری در نشریه مبین آمده است «مشروعیت و حقانیت دو مقوله است. حقانیت یک امر درونی است ... (اما) مشروعیت سیاسی حکومت یک امر بیرونی است و تنها با بیعت، خواست و رضایت مردم تحقق پیدا می‌کند».

درج این مقاله بهانه‌ای برای مهدوی کئی عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت شد که به جناح مقابل در انتخابات ریاست جمهوری یعنی جناح خط امام حمله کند. وی در سخنرانی خود که از صدای جمهوری اسلامی نیز پخش شد، گفت: «چه کسی در زمان امام جرات می‌کرد بگوید ولایت فقیه مشروعیتش را از مردم می‌گیرد ... چه طور افرادی در

## پوزش و تصحیح

۵- رفیع تضییقات و محرومیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ملت ایران ایجاب می‌کند که مردم به حداکثر امکانات مطلوب در اداره امور محلی و منطقه‌ای خود دست یافته و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به شسرایط زندگی این منشور پیرامون طریق دموکراتیک و انتخابی سهیم و ناظر باشند.

ما به شیوه کشورداری غیرمتمرکز به معنای تصدی امور محلی، اداری، اقتصادی، فرهنگی و آموزش در چهارچوب کشور ایران اعتقاد داریم و این شیوه را برای رشد موزون اجتماعی و رفیع عقیم‌ماندگی نواحی مختلف کشور و دوام دموکراسی و تامین آرامش و تقاضای ملی ضروری می‌دانیم. مسوایط هر یک از امضاءکنندگان این منشور پیرامون اشکال مختلف عدم تمرکز در اسناد و مصوبات آنها بازتاب یافته است.

## ابراهیم یزدی و عزت‌الله سبحانی

### نامزد مقام ریاست جمهوری شدند

● انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد برگزار می‌شود

● بهزاد نبودی از فعالیت نهضت آزادی حمایت کرد

کاندیدای رقیب ناطق نوری که از حمایت جامعه روحانیت مبارز برخوردار است، در مبارزه انتخاباتی شرکت کند.

فعالیت تبلیغاتی جامعه روحانیت مبارز و کاندیدای آن ناطق نوری از ماه‌ها پیش آغاز شده و این جناح با در اختیار داشتن رادیو و تلویزیون، تریبون‌های نماز جمعه تهران، امکانات تبلیغاتی را در انحصار گرفته است. سایر جناح‌ها و دستجات حکومتی از انحصار طلبی و یک‌تازی آن به شدت ناراضی هستند. روزنامه سلام در آخرین شماره خود به نام یکی از خوانندگان در انتقاد از انحصار طلبی جناح رسالت - خامنه‌ای و محدودیت امکانات سایر جناح‌ها نوشته است: در کشورهای دموکراتیک نتایج انتخابات دو روز بعد از برگزاری آن اعلام می‌شود اما در کشور ما نتایج انتخابات از سه ماه پیش اعلام شده است.

گروه کارگزاران تاکنون کاندیدی برای ریاست جمهوری اعلام نکرده است. تا بحال گفته می‌شد که این گروه قصد دارد از خاتمی حمایت کند اما اخباری که در مطبوعات چاپ شده است حاکی از آنست که خیر اختلاف نظر بین اعضای گروه کارگزاران بر سر پشتیبانی از خاتمی یا معرفی کاندیدای مستقل برای حفظ هویت گروه صحت دارد. روزنامه اخبار چاپ تهران، علت عدم توافق گروه کارگزاران با مجمع روحانیون مبارز را مخالفت محمد هاشمی برادر هاشمی رفسنجانی برای پذیرش دکتر خاتمی به عنوان کاندیدای مشترک ذکر کرده است.

حشمت‌الله طبرزدی سردبیر هفته‌نامه توقیف شده پیام دانشجوی بسیجی، سعید رجایی خراسانی سفیر سابق جمهوری اسلامی در سازمان ملل و سید رضا زورادای عضو رهبری جمعیت مولفه اسلامی کاندیداهای دیگر انتخابات ریاست جمهوری هستند.

هفته گذشته حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) با انتشار اعلامیه‌ای در تهران ضمن اشاره به گسترش فقر و گرانی در کشور از مردم خواست انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کنند. این حزب در اعلامیه خود نوشت: ما مبارزات مسالمت‌جویانه خود را آنقدر پی می‌گیریم تا به حقوق پایمال شده خود دست یابیم.

هفتمین دوره ریاست جمهوری را دوم خرداد ماه سال ۷۶ تعیین کرده است. کسانی که قصد احراز مقام ریاست جمهوری دارند باید در فاصله اول تا ششم اردیبهشت ماه در وزارت کشور نام‌نویسی کنند. بعد از بررسی صلاحیت کاندیدها از سوی فقهای شورای نگهبان، افرادی که تائید شده‌اند به طور رسمی یک هفته فرصت دارند، فعالیت تبلیغاتی انجام دهند. در تهران یک هیاتی که اعضای آن را جنتی عضو فقهای شورای نگهبان، مسئول سازمان تبلیغات اسلامی و رئیس هیات مرکزی نظارت برگمارده است، بر انتخابات ریاست جمهوری نظارت خواهد کرد.

اما مجمع روحانیون مبارز معتقد است که باید ترکیب هیات نظارت تغییر یابد و یا به جناح مقابل سهمی در ترکیب هیات داده شود. هفته‌نامه «مبین» که صلاحیت سردبیر آن در انتخابات مجلس پنجم از سوی شورای نگهبان رد شد، در سرمقاله شماره ۲۹ بهمین نوشته است: «طریق صواب آن است که یسا از عضویت عناصر تشکیلاتی و متمایل به جناح‌ها، در ترکیب هیات‌ها اجتناب نمود و یا اگر قرار است چنین افرادی در هیات‌های مذکور عضو باشند، می‌بایست این امکان برای کلیه جناح‌ها و کاندیدها فراهم آید تا معتدین خود را در ترکیب هیات‌های اجرایی و نظارت وارد نمایند و الا هیچ توجیهی در زمینه استفاده از عناصر فعال یک جناح سیاسی خاص وجود ندارد و این عمل با ادعای تلاش عادلانه برای برگزاری انتخاباتی سالم منافات دارد».

### کاندیداهای انتخابات

#### ریاست جمهوری

مجمع روحانیون مبارز به رهبری آیت‌الله مهدوی کروی و «اتحاد گروه‌های خط امام» که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیروی عمده آن است، در حال تدارک پر پایبی ستادهای تبلیغاتی در نقاط مختلف کشور هستند و به همین منظور خاتمی کاندیدای این جناح هفته گذشته راهی استانهای فارس و هرمزگان شد. بنا به گفته محمد سلامتی دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی دکتر خاتمی بعد از گفتگو با هاشمی رفسنجانی و سیدعلی خامنه‌ای پذیرفت که به عنوان

بقیه از صفحه اول  
آزادی‌های مردم و قبول مشروعیت حضور و فعالیت احزاب سیاسی مستقل می‌باشد».

نهضت آزادی از جمهوری اسلامی خواسته است که به «تمامی احزاب و گروه‌های سیاسی قانونگرا» اجازه فعالیت دهد. در پایان اطلاعیه آمده: «نهضت آزادی ایران امیدوار است که حاکمیت، این توصیه‌های مشفقانه را که هم متضمن منافع و مصالح ملت و مملکت و نظام جمهوری اسلامی و هم تضمین‌کننده سلامت و دوام و بقای مشروع حاکمان است، بپذیرد و حق را به صاحبان واقعی آنها یعنی مردم واگذارد».

پیش از یزدی، عزت‌الله سبحانی با انتشار بیانیه‌ای در تهران اعلام کرده بود که به عنوان کاندیدای مستقل در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می‌کند. وی یک سال پیش در انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی داوطلب نمایندگی از تهران بود. وی علیرغم تائید صلاحیت‌اش در اعتراض به رد صلاحیت یزدی و سایر کاندیدهای منفرد نهضت آزادی، از شرکت در انتخابات کناره گرفت.

سه هفته پیش بدالله سبحانی با انتشار بیانیه‌ای از ابراهیم یزدی، علی اکبر معین‌فر و عزت‌الله سبحانی خواسته بود هر سه تن کاندیدای مقام ریاست جمهوری شوند و از بین خود یک نفر را برای کسب رای به مردم معرفی کنند.

بهزاد نبودی عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در این رابطه اظهار داشت: اگر امروز نهضت آزادی بخواهد برای انتخابات ریاست جمهوری نامزد معرفی کند، نه تنها من مخالف نیستم بلکه آن را مفید می‌دانم. وی با تاکید بر این که حضور نهضت آزادی و چهره‌های سرشناس آن در انتخابات به نفع جمهوری اسلامی است، گفت: «اگر شورای نگهبان صلاحیت نهضت آزادی را رد کند، سخت در اشتباه است. یعنی عملاً بدون این که خودشان متوجه شوند به ضرر نظام کار کرده‌اند».

### انتخابات دوم خردادماه

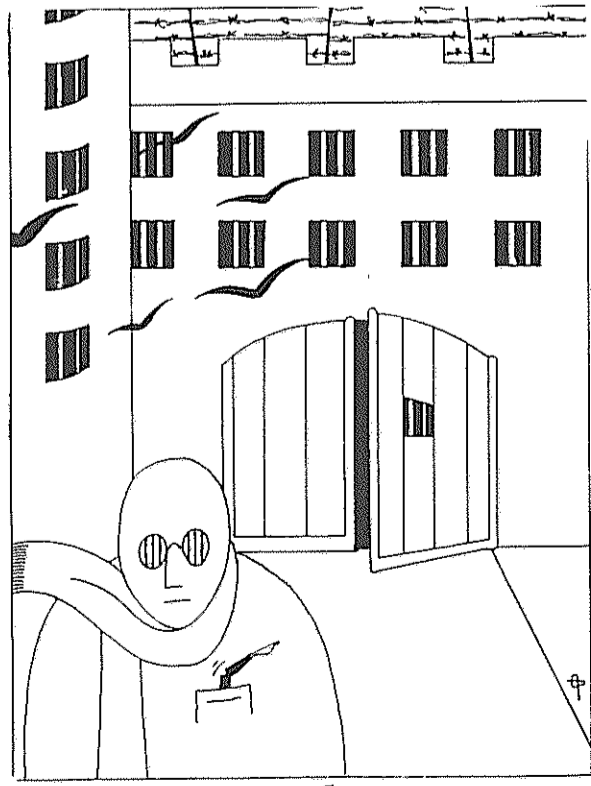
#### برگزار می‌شود

به گزارش خبرگزاری‌ها، شورای نگهبان تاریخ برگزاری انتخابات

## صدور رای نهایی دادگاه...

بقیه از صفحه اول  
است. اثر انگشت او بر روی اسلحه‌ای که گلوله‌ها از آن شلیک شده‌اند، شناسایی شده است. کاظم دارابی عضو سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی، به عنوان متهم ردیف اول و عباس رابیل متهم ردیف دوم است. دادستان دادگاه می‌کونوس در کيفرخواست خود گفته است که خامنه‌ای و رفسنجانی دستور قتل رهبران حزب دمکرات را صادر کرده‌اند.

رهبران جمهوری اسلامی می‌دانند که از محاکمه دارابی و عباس رابیل دیگر گریزی نیست. نگرانی رژیم آن است که دادگاه کيفرخواست دادستان علیه خامنه‌ای و رفسنجانی را تائید کند. به همین دلیل برای جمهوری اسلامی هر گونه وقفه در صدور رای نهایی، فرصتی برای معامله و پرده‌پوشی بر حقانیت و تروریسم دولتی رژیم است.



آزادی

### تجمع تحریک آمیز حزب اللهی‌ها در مقابل دفتر نشریه‌ی ایران فردا

نشریات ایران فردا و شلمچه در شماری بهمن ماه خود از اجتماع حزب اللهی‌ها در برابر دفتر نشریه‌ی ایران فردا خبر دادند. ایران فردا در این باره نوشت: «بعدهاظهر روز شنبه ۲۹ دی ماه، حدود ۳۰ نفر از افراد موسوم به انصار حزب الله که بسیاری از آنان را نوجوانان تشکیل می‌دهند به رهبری مسعود دهنمکی و حاجی بخشی در مقابل دفتر مجله‌ی ایران فردا تجمع کرده و به دادن شعار پرداختند. مسئله‌ی مورد اعتراض این افراد سرمقاله‌ی آبان ماه مجله بود که آنان پس از دو ماه و نیم (؟)!! به آن

وهابی می‌داند. پدرت وهابی است، شناسنامه و پاسپورت وهابی است... این‌ها می‌گویند پشت حجاب لجن است. لجن خانواده‌هاست، بی‌ادب، بی‌شرف، آمریکائی‌ها آشغال هستند که شما را راه انداخته‌اند. به والله اگر آدم نشوید ما حزب‌الله شما را آدم می‌کنیم... اگر در این کشور کسی ولی فقیه را قبول ندارد، مرتد است، قتلش واجب است.»

وهابی می‌داند. پدرت وهابی است، شناسنامه و پاسپورت وهابی است... این‌ها می‌گویند پشت حجاب لجن است. لجن خانواده‌هاست، بی‌ادب، بی‌شرف، آمریکائی‌ها آشغال هستند که شما را راه انداخته‌اند. به والله اگر آدم نشوید ما حزب‌الله شما را آدم می‌کنیم... اگر در این کشور کسی ولی فقیه را قبول ندارد، مرتد است، قتلش واجب است.»

### اگر در تهران برف نیارد...

علی قاسمی معاون عملیات شرکت آب و فاضلاب استان تهران هفته‌ی گذشته اعلام کرد که در صورت نیاریدن برف در روزهای باقی‌مانده از زمستان سال، ذخیره آب سد‌های اطراف تهران فقط تا چهار ماه توان تأمین آب این شهر را دارد. وی گفت: ظرفیت مخازن ذخیره سد‌های اطراف تهران حدود ۲۹۰ میلیون متر مکعب است که فقط از ۲۵۰ میلیون متر مکعب آن می‌توان استفاده کرد و این میزان آب نیز فقط نیاز چهار ماه شهر تهران را تأمین می‌کند. به گفته‌ی وی حتی اگر سیلاب‌های بهاری هم در فصل بهار

بیاید تنها تا ۲۵۰ میلیون متر مکعب (به اندازه‌ی ظرفیت مخازن) می‌توان از این آب‌ها استفاده کرد. پیش‌بینی می‌شود مصرف آب تهران تا پایان آسفال به ۸۵۰ میلیون متر مکعب برسد که به این ترتیب رشد مصرف آب در سال جاری نسبت به سال گذشته بالغ بر ۷۰ میلیون متر مکعب که به اندازه‌ی ظرفیت سد لتیان می‌باشد خواهد بود. قاسمی مصرف سالانه‌ی آب هر نفر را در تهران به‌طور متوسط ۳۱۵ لیتر در شبانه‌روز ذکر کرد که باید تا سقف ۲۰۰ لیتر در شبانه‌روز (استاندارد مصرف) کاهش یابد.

### انتقاد از مدافعات سیاسی نیروهای انتظامی

روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در یکی از مقالات خود، مدافعات سیاسی نیروهای انتظامی را مورد انتقاد قرار داده و نوشته است: اگر کسی به خاطر علاقه به فعالیت‌های سیاسی نتواند خود را از این عرصه دور کند، شایسته نیست که در نیروهای انتظامی خدمت کند. فرمانده یا سرپایز یا پاسداری که ندای حراست از انقلاب و نظام را با ورود به مسائل سیاسی و جناح‌بندی‌های نیروهای انقلاب که اکثریتشان دل‌سوز انقلاب و نظام و ولایت فقیه هستند، سر می‌دهد، ندانسته قوه‌ی دفاعی کشور را تضعیف می‌کند که در نهایت تضعیف انقلاب و

نظام است.» گفتنی است که مسئولان نیروهای انتظامی بارها اعلام کرده‌اند که به فعالیت‌های سیاسی نمی‌پردازند و از جمله در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری دخالت نمی‌کنند. اما تجربه همواره نشان داده است که پایوران این نیروها به شمول سران آن در لحظات تشدید تضادهای جناح‌های حکومتی، جانب جناح‌های ارتجاعی‌تر رژیم را گرفته و علناً در امور سیاسی مداخله نمودند که به‌عنوان نمونه، می‌توان از مداخله‌ی آشکار سپاه پاسداران رژیم در انتخابات پنج‌گانه دوره‌ی مجلس شورای اسلامی نام برد.

### تشنج تازه در روابط رژیم‌های ایران و ترکیه

در پی سخنان تحریک‌آمیز محمدرضا باقری در مراسم روز قدس در شهر «سنجان» که به دعوت شهردار آن شهر از حزب رفاه صورت گرفت، روابط سیاسی رژیم‌های ایران و ترکیه وارد مرحله‌ی بحرانی تازه‌ی شد. بحرانی که به اخراج باقری سفیر رژیم، محمدرضا رشید سرکنسول جمهوری اسلامی در استانبول و سعید زارع کنسول رژیم در ارزروم از ترکیه انجامید و حکومت جمهوری اسلامی نیز در مقابل اقدام به اخراج سفیر ترکیه و کنسول آن کشور در ارومیه نمود. متعاقباً مقامات دیپلماتیک دو کشور کوشش نمودند که آب رفته را تا حدی به جوی بازگردانند و از تشدید بحران جلوگیری کنند. به این منظور، توپکان

معاون وزارت خارجه‌ی ترکیه به ایران آمد و پیام رئیس‌جمهور کشورش را به هاشمی رفسنجانی ارائه داد. سلیمان دهمیرل در پیام آشتی‌جویانه‌اش از مسائلی که اخیراً بین تهران و آنکارا اتفاق افتاده است ابراز تأسف کرده و خواستار رفع موانع توسعه‌ی روابط میان دو کشور در چهارچوب روابط بین‌المللی و سیاسی شده است. رفسنجانی نیز به سهم خود از پیشنهاد رئیس‌جمهوری ترکیه برای جلوگیری از گسترش دامنه‌ی مسائل ایجاد شده مابین دو کشور استقبال کرد و خواهان حفظ و تقویت مناسبات دو کشور شد. آخرین اقدام حکومت در این راستا اعزام ولایتی وزیر خارجه‌ی رژیم به ترکیه در دوشنبه‌ی این هفته بود.

### تعداد گدایان تهران روبه افزایش است



### خبرهای کوتاه

#### تلاش برای جلوگیری از آتش بازی

محسن انصاری جانشین فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد که این نیرو قصد دارد با فروشندگان، خریداران، حمل‌کنندگان و استفاده‌کنندگان مواد محترقه و آتش‌زای برخورد قانونی کند و پروانه‌ی کار آن گروه از واحدهای صنفی را که به فروش اکلیل، سرنج و مواد اولیه‌ی آتش‌زای اقدام کنند، باطل و محل کسب آنها را پلمب نماید. به اظهار وی از هم‌اکنون جواز کار دو واحد صنفی در بازار تهران به همین دلیل لغو و مغازه‌های آن‌ها پلمب شده است و تعداد صد هزار عدد انواع نارنجک، فشفسه‌ی ماشینی، موشک ترقه‌ئی و فشفسه‌ی پرنده که از ترکیه وارد کشور شده بود به وسیله‌ی مأموران منطقه‌ی مرکزی در تهران کشف شده است. وی اظهار داشت که یک تن مواد اولیه‌ی آتش‌زای نیز در همدان کشف شده است.

#### فرسایش اعتقادات مذهبی دانشجویان

مهدی نصیری مدیر مسئول نشریه‌ی صبح در مصاحبه‌ی که اخیراً با نشریه‌ی نیستان (نشریه‌ی هم‌سو با نشریات کیهان هوایی، صبح، شلمچه و...) داشته است، اظهار داشت که برخی از آمارها و محاسبات رسمی حکایت از آن دارند که بیش از پنجاه درصد از فارغ‌التحصیلان رشته‌ی پزشکی با فرسایش جدی مذهبی و ایمانی مواجه هستند. من این آمار را با یکی از مسئولان برجسته‌ی مرتبط با دانشگاه‌ها مطرح کردم. ایشان گفت این امر اختصاص به رشته‌ی پزشکی ندارد.

وی گسترش دانشگاه‌ها به شهرستان‌ها را پدیده‌ی مضر برای دانشجویان و محیط سالم (!!) این شهرها دانست و در این ارتباط گفت: «من همین شهر خودم دامغان را مثال می‌زنم، تا چند سال پیش پدیده‌ی بی‌حجابی و حتا ساتو و روسری مفهومی نداشت و بسیار به‌ندرت دیده می‌شد، اما این پدیده امروز با باز شدن پای دانشگاه‌های آزاد و دولتی حتا در روند عاشورا هم دیده می‌شود.»

#### چوکا، بزرگ‌ترین آلایندگی محیط زیست

کارشناسان آب و خاک و محیط زیست، شرکت چوب و کاغذ ایران (چوکا) را به‌دلیل رهاسازی روزانه یک هزار و ۴۰۰ مترمکعب فاضلاب و سی‌تن گازسمی، بزرگ‌ترین شرکت آلایندگی محیط زیست در شمال کشور معرفی کردند. فاضلاب‌های تولیدی این کارخانه حاوی ترکیبات آلوده‌کننده‌ی سود، سولفور سدیم و کلسیم و هم‌چنین الیاف سلولزی و مواد شیمیایی دیگر نظیر آلوم، اسید و قلیا، مواد پاک‌کننده‌ی ضد کف، مواد حلقوی سمی و خطرناک نظیر کلوفنل، تافن و لیگنین است که از فرآیند شستشوی خمیر کاغذ پرس و مخازن تخمیر به‌وجود می‌آید، می‌باشد که بدون تصفیه راهی آب‌های جاری منطقه می‌شود. کارشناسان می‌گویند: ورود پساب‌ها و فاضلاب‌های صنعتی این کارخانه، حیات آبزیان را در دو رودخانه‌ی اردجان و نوکنده و همچنین شعاع قابل توجهی از دریای خزر به مخاطره انداخته است به گونه‌ئی که زیست و تخم‌ریزی ماهیان را در این منطقه غیر ممکن کرده است.

#### مالیات اضافه کار کارگران کاهش می‌یابد

هیئت دولت جمهوری اسلامی از بیم‌گسترش اعتراضات کارگری که در سال جاری ابعاد فزاینده‌ئی یافته است تصمیم گرفت که از ابتدای سال آینده مالیات اضافه‌کاری کارکنان بخش خصوصی و کارکنان بخش دولتی جدا از درآمد ماهانه و با نرخ ثابت ۱۰ محاسبه شود. پیش از این مالیات اضافه‌کاری کارگران به صورت تصاعدی محاسبه می‌شد. علیرضا محبوب نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی از تهران و عضو کمیسیون کار و امور اجتماعی این مجلس در این مورد گفت که مالیات اضافه‌کاری براساس جدول تصاعدی گاه بین ۲۰٪ تا ۳۵٪ از درآمد کارگران را شامل می‌شد و پس از مذاکرات نمایندگان کارگران با رئیس‌جمهور و طرح این موضوع در هیئت دولت، آنان موافقت خود را در مورد تغییر شیوه محاسبه مالیات اضافه‌کاری کارگران اعلام کرده‌اند و مجلس شورای اسلامی به‌زودی در مورد آن تصمیم‌گیری خواهد کرد.

#### دستگیری ۵۰ جاسوس در آذربایجان

مدیرکل ساواک رژیم در آذربایجان غربی که از جمله «سر‌بازان گمنام» رژیم است و با اینکه هر ماه خبرهایی از جانب او انتشار می‌یابد تاکنون نام او فاش نشده است، اعلام کرد که اخیراً با شناسایی و کشف شش شبکه‌ی جاسوسی، ۵۰ جاسوس عضو این شبکه‌ها بازداشت شدند. به گفته‌ی وی، بازداشت‌شدگان اطلاعات محرمانه و طبقه‌بندی شده ادارات را در اختیار بیگانگان قرار می‌دادند و از نقاط حساس و نظامی منطقه نیز عکس و اطلاعات تهیه می‌کردند. وی گفت: اعضای شبکه‌های یاد شده با اعتراف به جرائم خود در دادگاه محاکمه شده‌اند. وی هم‌چنین اظهار داشت که عدنه‌ی کارکنان بیمارستان‌های این استان نیز به اتهام سوء‌استفاده‌های مالی بازداشت شده‌اند که در جریان بازجویی به جرائم خود اعتراف کرده‌اند.

#### تجارت استخوان مردگان در افغانستان

به گزارش روزنامه‌ی تایمز لندن، کودکان افغانی برای امرار معاش اخیراً راه تازه و به شدت خطرناکی را یافته‌اند. به این معنی که آنان استخوان مردگان را از قبر درآورده و آن را برای استفاده در غذای ماکیان به سوداگران پاکستانی می‌فروشند. اسکلت انسان حدود ۶ کیلوگرم وزن دارد که به رقم نیم دلار آمریکایی معامله می‌شود. رقمی که شاید خانواده‌ی آن را برای یک روز از گرسنگی نجات دهد. اما وارد شدن این‌گونه‌ی افراد مرده در زنجیره‌ی غذایی انسان می‌تواند خطرات بهداشتی جبران‌ناپذیری را به همراه داشته باشد.

#### ۲۱ گونه‌ی گیاهی در معرض خطر انقراض

رئیس‌اداره‌ی محیط زیست کرج اعلام کرد که به دلیل تعلق بی‌رویه‌ی دام‌ها، تخریب زیستگاه‌ها و جمع‌آوری برخی از گونه‌ها برای تهیه دارو، ۲۱ گونه از ۱۸۲ گونه‌ی گیاهی در منطقه‌ی «حفاظت‌شده»ی سد کرج در حال انقراض است.







# تمکین زن ایرانی، شیوه معتاد زندگی اوست

به نقل از: «کتاب توسعه» شماره ۱۰

نوشین احمدی خراسانی

نهادی شدن روحیه فعل‌پذیری و تمکین زن ایرانی، در واقع یک سنت دیرپای اجتماعی و محصول قرن‌ها آموزه‌های اخلاقی در منع آزادی و استقلال زن و اقتاع وی به پذیرش جایگاه محدود خویش است زیرا نهادی شدن یک عادت و سنت اجتماعی، پیش از هر چیز محصول شبکه‌های درهم تنیده از رفته‌های فرهنگی و ویژگی‌های اخلاق تاریخی است که معمولاً مداوم و سیطره خود بر اذهان را از نحوه عملکرد و چگونگی نفوذ اقتاعی خویش به دست می‌آورد، از این رو عادت تمکین و اطاعت و به قول بعضی کسان «بردباری» زن ایرانی، نه خلصتی فردی و یا رفتاری فیزیولوژیکی، بلکه تابعی از فرهنگ کهن سال «مرید پروری» حاکم بر جامعه است، فرهنگی که در سراسر طول تاریخ این مرز و بوم، پدیده اطاعت و تمکین و عبودیت را به عنوان یک فضیلت حسنه و هنجار اخلاقی قلمداد کرده است.

برای آگاهی و شناخت ریشه‌های ظهور این ویژگی اخلاقی زن ایرانی (که از عمده‌ترین موانع ارتقا وی به شمار می‌آید) باید به گذشته و شرایط پیدایی آن توجه کرد یعنی شناخت منشأ پیدایش، رشد و تکوین آن، سپس باید خود پدیده را در حال حاضر و در بستر عملکرد معاصر مطالعه کرد، آنگاه باید مشخص کرد که کدام چپان‌بینی، پشتوانه و مولد این خصیصه اجتماعی است زیرا عادت و خصائل و سنن اجتماعی دارای فلسفه هستند، بنابراین برای شناخت بهتر آنها باید فلسفه وجودی‌شان را کشف کرد. به بیان روشن‌تر اینکه، بدون مطالعه عمیق تاریخی، امکان دستیابی به منشأ باآفرینی چنین سلوکی وجود ندارد. برای این پژوهش ناگزیر از کند و کاو در پهنه فرهنگ تاریخی جامعه هستیم.

در فرهنگ کلاسیک ایران، پدیده «مرید و مرشدی» به عنوان یک عادت و هنجار اخلاقی - اجتماعی، ریشه‌های عمیق تاریخی دارد. سقفا این عادت بر پایه «ارادت» و «سرسپردگی» و «تمکین» استوار است - گرچه برخی بزرگان فرهنگ و عرفان ایران همواره سعی کرده‌اند بنیاد چنین رابطه‌ای را بر حریم عشق و اخلاص دل سالک بنشانند - ولی از آن جهت که مناسبات سرسپردگی از «مراده» نه تنها از طریقت عرفانی بلکه در کلیه شئون زندگی اجتماعی، سیاسی، اداری، نظامی و حتی خانوادگی بازتولید می‌شود لذا چنین رابطه‌ای به تدریج در قالب یک عادت فراگیر اجتماعی تبلور یافته و به نسلهای بعد منتقل می‌شود. انواع خصایل و سنن بازدارنده جامعه از راه تولید نیروی «مانند» (عادت) بازآفرینی و پشتیبانی می‌شود. عادت، نیروی مهبی است که نه تنها حیطه فرهنگ بلکه روندهای اقتصادی یک جامعه را نیز مشروط می‌کند. عرفای به نام به ما گفته‌اند که ارادت به فرزانه‌ای که مراتبی از سلوک و تهذیب اخلاقی را طی کرده است، موجب ارتقا مزید را فراهم می‌آورد، ما نیز به گفته آنان ارج می‌نیم اما هنگامی که این آموزه‌ها در پهنه جامعه پی‌نهاد - و به لحاظ تاریخی، استبدادزده - ایران جاری می‌شود به سرعت از محتوا تهی شده و در راه نهادی کردن و تحکیم نظام چاکری و تمکین عمل می‌کند. به واقع چگونگی در فرهنگ استبدادزده جامعه و سلسله مراتبی چنین مریدپرور و بازدارنده (که به شدت از بروز تشخیص و هویت فردی افراد جلوگیری می‌کند) اسباب ارتقا مرید فراهم می‌آید در چنین فضایی چطور می‌توان وزن مخصوص اطاعت آگاهانه و عاشقانه یعنی پیروی آزادانه - که از آگاهی و آزادی انتخاب

وجود داشته است، به طوری که شخصی که از هیچ نوع تشخیص و برجستگی برخوردار نبوده و خود را ناتوان و مطیع می‌نموده از خطر تهاجم و تعرض مصون بوده است.

گرایش چنین تسلیم‌طلبانه، فقرگرایانه و ایستا، که خاصه از زمان یورش مغولان - به عنوان واکنشی از سر نویدی در برابر انهدام تمدن ایران - به گرایش مسلط فرهنگ کشور تبدیل می‌شود می‌گوید که در مقابل سلطان، در مقابل تاخت و تازها، در مقابل قدرت، در مقابل سنت، فقر و... باید تمکین کرد، باید مطیع و منقاد بود. در واقع، بنیاد این نگرش، واپس‌گرا در حوزه اندیشه به توسط الگوهای فکری «اشعری - عرفانی» و در عرصه مادی زندگی به واسطه وجود



طرح از اشلیت برگرفته از نشر به ملانصرالدین

نظامی دیرپا، بازتولید می‌شود. پرپیوسته که فرهنگی چنین معیوب و عقیم، از تربیت نسلی جسور، منتقد و شالوده شکن ناتوان است و در سر فصل‌های مهم تاریخ، نمی‌تواند به صورت مانعی سترگ در راه پرورش شهامت اخلاقی و استقلال زنان، ایستادگی کرده است. زیرا زنان ازسویی در تقسیم‌بندی هرم قدرت در جامعه، همواره ضعیف‌ترین حلقه بوده‌اند و در طول تاریخ سهم‌شان از قدرت اقتصادی و سیاسی - صفر - بوده است. و از سوی دیگر وجود فضای بی‌ثبات و ناامن همواره زنان را بسیار فزون‌تر مورد تاخت و تاز قرار داده و تا این لحظه، جامعه در ایجاد فضایی امن و مطمئن (چه به لحاظ حقوقی و مادی و...) برای آنان ناتوان بوده است. از این رو بار سنگین این تحمیل فرهنگی (امر به اطاعت) عمدتاً بر دوش زنان قرار گرفته است. فشارها و بندهای اخلاقی و سنتی همواره بر پای لایه‌های عقب‌مانده و ناتوان جامعه زنجیر می‌شود و گروه‌هایی که در بلوک قدرت، سهم و جایگاهی دارند، معمولاً از این بندها رها هستند. از سوی دیگر، پدیده مردسالاری و نگرش منحصر به فرد مرد ایرانی به زن، بر بستر آن آموزه‌های اخلاقی، از طریق دیگری - به عنوان فشاری مضاعف - سبب تهی شدن زن از هویت انسانی‌اش شده و از این منظر او را به تمکین و اطاعت فزون‌تر واداشته است. نگاه تمام‌خواه مرد ایرانی به زن، نگاهی قویاً مالکانه تحول است. هنوز تصور می‌کند که امکان دارد زنتش طعمه شود، ربوده شود، اسیر شود، به جای خراج به

کرده - در اعماق جامعه ما است و این معضل دیرینه‌ای است که ظهور و غلبه باور مرد محوری را باعث شده است. مرد ایرانی (این مالک بی‌رقیب هستی اجتماعی و تنها مخاطب فرهنگ) گرچه بر مجموعه امکانات و کالاهای کمیاب جامعه، حس مالکیت دارد، اما بر اثر ناامنی مزمن سیاسی، هیچگاه بر امسوال غیرمنتقول، حسسی چنین تعصب‌آمیز و لجوجانه نداشته که براموال منقول - خاصه بر روی زن! - از سوی این آموزه‌ها بر بستر جامعه‌های چنین متزلزل، به زن باورآینده که: تو ناتوانی و بدون وابستگی و تکیه بر قدرت مرد، قادر به ادامه حیات نیستی. بنابراین او را به فرمانبرداری هرچه فزون‌تر، سوق داده است. باوری که در فرهنگ معاصر، فی‌السنفسه در قالب یک عادت، اطاعت در برابر نظام فرهنگی زن‌ستیز را به زنان تحمیل کرده است.

نگرش مردمحور، از طریق شریانه‌های گوناگون فرهنگی، هنری، اخلاقی و ادبی در جامعه بازتولید و تقویت می‌شود و تفوق این باور کهن که از زمان هخامنشیان آغاز شده و تا دوام می‌بخشد، اما روشن است که فرهنگی چنین نابخردانه و سلطه‌گر، بدون ضعف مادی و فقر امکاناتی زنان، نمی‌تواند آنان را به تمکین و تسلیم وادارد. گذشته از این مسئله، عامل بی‌ثباتی تاریخی کشور در کنار ناتوانی جامعه در برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و حراست از حقوق کلیه شهروندان زن و مرد، باعث می‌شود که زنان و مردان کشور از دیرباز، چنین آموزه‌های بازدارنده فرهنگی را بپذیرند در حالی که به ویژه از زمان انقلاب مشروطیت، جامعه ما به لحاظ کیفی و محتوایی از ساختار تاریخی‌اش فاصله گرفته و به تدریج این فاصله در حال افزایش است. اکنون دیگر زور بازو، پهلوانی و عیاری و قلندری، عوامل راه‌گشای تغییر اجتماعی محسوب نمی‌شوند - که مرد و نیروی فیزیکی او حرف اول را بزند - بلکه در دوران حاضر، تعقل، تخصص و قدرت خرد برتر، عامل تکامل اجتماعی است. قدرت جسمانی فرد، جای خود را به نیروی وحدت‌بخش اجتماع سپرده است. لذا پایه‌های مادی و بستر ماندگاری چنین فرهنگ بازدارنده‌ای در حال از میان رفتن است و با درک بینگام این گذار تاریخی جامعه بوده است که روشنفکران و مصلحان دینی و غیردینی، سعی در نقد نگرش‌های سنتی کرده‌اند. در حقیقت، مناسبات نوین جوامع امروزی، نیاز فرهنگی نوینی را می‌طلبد اما نیروی عادت و سنت‌ها، همچنان سرسختی و لجاجت نشان می‌دهند. بدین اعتبار، نمی‌توان مشکلات و موانع عمده در راه اعتلای زنان (همچون روحیه محافظه‌کاری و عادت به تمکین) را بدون مطالعه عوامل مؤثر در غلبه چنین روحیه‌ای (یعنی فرهنگ مریدپرور، تفوق نگرش مردمحوری، بی‌پشتوانگی مادی زنان، بی‌ثباتی سیاسی و بالاخره ضعف سیستم‌های تأمین اجتماعی)، بازشناخت.

همانطور که ذکر شد یکی از موانع عمده، سیطره نگرش مردسالاری و عادت مردان به مالکیت بر زنان است. در عین حال، تغییر و تصحیح این نگرش، بسیار دشوار است. این نگاه تحقیرآمیز به زن که به اضمحلال هویت مستقل زن ایرانی منتهی شده، ریشه‌دار است و به سادگی متحول

نمی‌شود. حتی کلام شریعتی در «انتظار عصر حاضر از زن مسلمان» هم نتوانست بر این نگاه تأثیر چندانی بگذارد. کلام آن فرزانه گرچه بخش وسیعی از جوانان مسلمان را متحول کرد اما بر نگاه عامه بی‌تأثیر بود. آموزه‌های سوسیالیستی و مترقی هم موفق نشدند از محدود دانشگاه‌ها فراتر نهند و مقام زن را در نگاه توده مردم، به جایگاه واقعی‌اش پشاندند. این کوشش‌های پربار صادقانه که با درک نیاز زمان صورت گرفته، (در کنار آشنایی روشنفکران با فرهنگ و حقوق شهروندی در کشورهای پیشرفته صنعتی) گرچه بی‌تأثیر نبوده اما نیروی هولناکی به نام عادت در بطن جامعه ما، برای بقای خود - و تداوم سیطره خویش - در مقابل این کوشش‌ها، مقاومت و لجاجت می‌ورزد پیش از هر چیز به نظر می‌رسد که این عادت‌ها در دامان مادران و در هنگام طفولیت، در ذهن مرد، نفثه می‌بندد. از این رو مشکل اصلی، نهایتاً در شیوه نگاه زن ایرانی به نقش و وظایف اجتماعی خویش است. نقص در نگاه بانوان به جایگاه انسان است، در عادت و خصائل نهادی‌شده خود زنان نیفته است. در عدم توجه و حساسیت زنان نسبت به سرنوشت خویش و نسبت به سرنوشت نسل آینده است. در سنتی دیرپایی نیفته است که شهامت حرکت و انتقاد از مدار بسته زندگی را از زن ایرانی ستانده است. مثلاً اگر بخش اعظم کار و مسئولیت در محیط ادارات و شرکت‌ها (خصوصی یا دولتی، فرق نمی‌کند) عملاً بر دوش ما قرار دارد ولی پست‌های بسلا، ترفیع‌ها و مسافرت‌های آنچنانی متعلق به آقایان است، اگر در محیط مدرسه نابرابری مشاهده می‌کنیم، اگر در کارخانه از مسئول قسمت، تعدی و ظلم می‌بینیم، اگر هنگام ازدواج هیچ شرطی را اقامه و ثبت نمی‌کنیم تا احياناً در وقت طلاق این چنین بی‌پشتوانه نباشیم و بالاخره اگر در خانواده با شوهر و پدر و در جامعه با مسئولین صحبت نمی‌کنیم، گناه همه آنها در قدم اول بر عهده خود ما زنها است. آری، ریشه اینگونه تبعیض‌ها، منشأ این رابطه‌های معیوب را در قدم اول باید در خودمان جستجو کنیم. ما لیم که محافظه‌کار، منفعل، خودسانسور، مصلحت‌بین و عافیت‌طلب هستیم، مطیع و مغلوب شده‌ایم، از حقیقت‌جویی بی‌مناکم، بدین وضع خو کرده‌ایم، از اضطراب دگراندیش گریزانیم و این چنین با فرهنگ «زن‌ستیز» کنار آمده‌ایم.

روشن است که می‌توان همه این مشکلات و نابرابری‌ها را بر عهده مردان یا دولت قرار داد، حتی می‌توان مجموعه گرفتاری‌ها و ضعف‌های کل کشور را هم به غرب حواله داد، اما این نحوه داوری و این نوع نگرش یکسویه، راه به مقصد نمی‌برد. تنها طریق خردمندانه: صراحت در گفتار، صیادت و شهامت در نقد خود (نقد خرد پیشین) و بازنگری در اخلاقی کهنسال جامعه خویش است. اتفاقاً جامعه ما اکنون بیش از هر زمان دیگر، به حقیقت‌جویی و صراحت در بیان حق، نیاز حیاتی دارد. دروغ یا حتی حقیقت شرمگین به زبان ما است. هرگاه چنین شیوه درستی در بخش وسیعی از زنان کشور، به گرایش عمومی بدل شود، آنگاه هم‌راه با ارتقا اخلاقی، تعالی اجتماعی فرا می‌رسد و این هر دو در خدمت به توسعه کشور، می‌تواند معجزه کند. زن ایرانی تا لحظه‌ای که مصلحت‌بینی شوگر و دیرینه خود را به پای حقیقت‌جویی فدا نکند، تا لحظه‌ای که اراده‌اش بر تغییر شیوه معناد زندگی (عادت به تمکین و فعل‌پذیری) استوار نگردد، نمی‌تواند سرنوشت خود را به اختیار برگزیند. آری، گزیدن به اختیار!



# «تنها توفان کودکان ناهمگون می‌زاید»

امیر ممینی



\*\*\*

مسعود، همچون یارانی که با او رزمیدند و با او اعدام شدند، آفریننده و پاسدار ارزشهایی بود که مردم و ملت ما برای نجات خویش از چنگ ستم و بیاداد به آنها نیاز دارند. ارزشهایی که بدون آنها زر زنگ می‌زند و زیبا بی‌یها می‌شود. ارزشهایی که بدون آنها اندیشه‌های خوب در پستی مغزا می‌مانند و می‌پوسند. ارزشهایی چون مردم دوستی، آرمان‌مداری، دلاوری، رزمندگی، استواری، فداکاری، رفاقت، وفاداری، صداقت، سادگی و فروتنی در برابر میهن و مردم، و در برابر حقیقتی که در آینه آگاهی چهره نما می‌شود. بردن ارزشها به میان توده‌ها کمتر از گردی ایده‌ها نیست. بهنگام حمله مغول، ایرانی مرعوب شده بیش از هر چیز نیازمند امید و شهامت بود، وگرنه ستم و ضرورت مبارزه با آن بر او آشکار بود. همین امروز، در میان نیروهای اپوزیسیون اندیشه‌های خوب فراوان است. اما این اندیشه‌ها هنوز قیمت بالایی ندارند. چون ارزشهایی که باید ناظر بر اجرای این ایده‌ها باشند در موارد زیادی بی‌ارزش شده‌اند. چون برای خیلی از مدعیان سیاست و مبارزه بُعد مادی زندگی خصوصی معیار همه ارزشها شده است. چون برای بسیاری احساس افتخار آسیب دیده است. چون در عمق روان بسیاری از مردم عصر حماسه و افتخار و نبردهای آرمانی و مردمی به پایان رسیده است. اینان در درون و در جان خود شکست خورده‌اند. در چنین شرایطی، یعنی در شرایط همین امروز هم، نبردی که جنبه ارزشی ندارد و پیشاهنگی که معرف یک نظام ارزشی رزمجویانه نیست رد به جایی نخواهد برد. دموکراسی بی‌دندان حل‌لوی استبداد است.

\*\*\*

اما، چریک یک ایدئولوژی بود و بسیاری از ارزشهای آفریده یا مورد دفاع آن نیز سخت با همین ایدئولوژی پیوند خورده بودند. این ایدئولوژی برای آنکه بتواند در هر شرایطی از موجودیت چریک دفاع کند به صورت یک کیش در آمده بود. و این کیش، از جمله به کمک رشته‌های از ارزشهای فوق انسانی و حتی غیر انسانی چریک را در محاصره مرگ از خود می‌گرفت. ایدئولوژی چریک به ندرت بر اجرا قائم می‌کرد. این ایدئولوژی به جای اقتضای بیشتر حریف را مرعوب و مغلوب می‌کرد. چریک خود از همه بیشتر مرعوب و مغلوب اندیشه چریکی بود. بیش چریکی، چریک را در محاصره مرگ قرار می‌داد. عضویت در سازمان چریکی معادل ایستادن در صف مرگ بود. چریکها متوسط عمر خود را شش ماه می‌دانستند. مسعود احمدزاده یکی از برجسته‌ترین سازندگان این بینش و نمونه برجسته و پهلوانانه اجرای آن بود. یگانگی اندیشه و عمل مسعود چنان بود که می‌توان گفت کتاب او «مبارزه مسلحانه، هم استراتژی، هم تاکتیک» کاملاً بر روانشناسی وی منطبق بوده است. در جمع بنیان گزاران جنبش فداییان خلق همتای مسعود بیژن جزنی بود. اما این دو

در سیاست به آنها نقشی ندهد. همه می‌دانستند که الله‌قلی جهانگیری جز به هیأت یک یاغی سرکش نخواهد مرد. و همه می‌گفتند که پویان و پیرو نظیری همراه با سمفونی پنج پتهوون جنگیدند و جان دادند. این عاطفه به چریک عظمت می‌دهد. این صمیمیت چون دیدار چشمه‌ای در نگاه روح را تازه و به طبیعت آدمی نزدیک می‌کند. اما همین عاطفه گاه چریک را گول می‌زند و به آفریندهای خطرناک بدل می‌کند. هنگامیکه چریک به خشم می‌آید حقیقت از هراس او در پستوی پنهان می‌شود. و هنگامیکه چریک این حقیقت را باز شناسد نه با زبان سیاست که با زبان عشق به ستایش آن بر می‌خیزد. رابطه چریک ما با آرمان خود یک رابطه عرفانی و عاشقانه بود. آرمان، معشوق چریک بود و عشق معرف رابطه او با این آرمان، درست همانند رابطه عرفانی ما با معبود آسمانی یا زمینی خود. پس:

«در ره منزل لیلی که خطرناست به جان شرط اول قدم آنست که مجنون باشی»  
اصل فلسفه فدا همین است که حافظ می‌گوید. عرفان سبز و سرخ در شعر و شور او بهم می‌پیوندند. اگر مقوله چریک تنها یک مقوله سیاسی بود خروش سپاهکل آنگونه طین افکن نمی‌شد. مقوله چریک یک مقوله ارزشی - سیاسی بود. از همین روست که شعر و ادبیات ما چریک را بیشتر در میدان ارزشها ستوده‌اند:

نگاه کن چه فروتانه بر مخان ارزشها ستوده‌اند:  
آنکه نهال نازک دستانش  
از عشق خداست  
و پیش عصیانش  
بالای جهنم

پست است،  
آن کو به یکی «آری» می‌میرد  
نه به زخم صد خنجر،  
و مرگش در نمی‌رسد  
مگر آن که از تب و هن  
دق کند»  
و می‌توان گفت که نمود حماسی چریک بیش از نهاد سیاسی او محبوب و الهام بخش افتاد:  
«آن عاشقان شوره، که با شب نزیستند  
رفتند و شهر خفته ندانست کیستند  
فریادشان تموچ شط حیات بود  
چون آذرخش در سخن خویش زیستند.  
مرغان پرگشوده توفان که روز مرگ  
درو با و موج و صخره بریشان گریستند.»  
و در یفا که  
«...شیر آهنکوه مردی از این گونه عاشق  
میدان خویش سرنوشت  
به پاشنه اشیل در نوشت  
.....»

اسفند ماه اسامال برابر است با بیست و پنجمین سال اعدام رفیق مسعود احمد زاده اندیشه پرداز بنیانگذار و پنج تن دیگر از رهبران و بنیانگذاران جنبش فداییان خلق ایران، رفقا عباس مفتاحی، حمید توکلی، مجید احمد زاده، اسدالله مفتاحی و غلام رضا گلوی. این جنگاوران، که خود بهترین سربازان اندیشه‌های انقلابی و شورانگیز خویش بودند، از میدان نبرد تا میدان مرگ چنان دلاوری و صداقتی از خود نشان دادند که شعر و هنر زمان از کارستانشان الهام گرفته و در قلمرو آگاهی، بسیاری از مردم، با دیدگاههای متفاوت به ستایش کار و پیکار آنان برخاستند. بیش از هر چیز دلاوری، قاطعیت و فداکاری این انقلابیون در ستیز با دیکتاتوری بود که باعث محبوبیت سریع آنان نزد نیروهای روشنفکر و گروهی از مردم شد و آنها خود این ارزشها را همچون بخشی از ایدئولوژی خویش مورد تأکید قرار می‌دادند.

آنها پارتیزان بودند. چریک بودند. چریکهایی که کتابشان عملشان بود و عملشان کتابشان. آنها بر آن بودند تا با عمل خود حرف بزنند و با مردم پیوند برقرار کنند. پس، از دید آنان این عمل باید برای مردم قابل رؤیت و انگیزنده و الهام دهنده می‌بود. این عمل باید قهرمانانه می‌بود. چریک می‌بایست همچون تجسم یک ایدئولوژی، سیاست، اخلاق، و الگوی مبارزاتی به میدان می‌آمد. او می‌بایست شجاعت، صداقت و از جان گذشتگی خود را به نمایش می‌گذاشت تا مردم را به خود شیفته و به مبارزه قانع کند. پستوانه این تعهدات جان چریک بود، جانی که باید فدا می‌شد تا چریک تسلیم نشود، درهم نشکند، خیانت نکند، خفت نکشد و نمونه امید آفرینی در نبرد با دشمن به نمایش بگذارد. و این چریک، با فدا کردن جان خود، فدایی شد.

\*\*\*

در جهان سیاست هیچ پدیده‌ای ساده‌تر، صادق‌تر، روشن‌تر، مصمم‌تر، و مردمی‌تر از پارتیزان و گریلا و در برگردان فارسی آن چریک پدید نیامده است. چریکها پروتاریای جهان سیاست هستند و غالباً با حکمت سیاه سیاست و حکیمان سیاست آن سر ناسازگاری دارند. معمولاً سیاست حرفه چریک نیست، از این رو چریک گاه با سیاست چون پدیده‌ای و حتی زشتی در زندگی خود می‌نگرد. گاه با آن بازی می‌کند. گاه با آن دلش را خالی می‌کند. گاه با آن بی عشق می‌گردد، بی آرزو می‌گردد، بی خود می‌گردد. سیاست نزد چریک بیش از دیگران با عواطف آمیخته است. چریک نخست با سیاست رابطه عاطفی برقرار می‌کند. او نزد خود و برای خود یک تصویر عاطفی از سیاست ترسیم می‌کند. توجال و دماوند و شیرباد و جنگلهای شمال شخصیتهای ویژه‌ای در دیدگاه سیاسی او هستند. خشایار سنجرى به توجال می‌گفت رفیق توجال. علی دبیری فرد عاشق همه کوجه پس کوجه هایی بود که روزگاری کسی از یارانش در آن خاطرهای به جا گذاشته بودند. هوشنگ اعظمی آن چنان عاشق کوههای لرستان بود که نمی‌توانست

# حماسه‌ای که حسن فرجودی آفرید!

آخرین سال‌های قبل از انقلاب در مرکزیت سازمان قرار داشت و پس از انقلاب در جریان جدایی اقلیت، اکثریت در موضع اقلیت قرار گرفت. این رفیق سرانجام در جریان درگیری خیابانی با مأموران جمهوری اسلامی جان باخت. رفیق فرجودی و رفیق غلامیان در جریان یکی از عملیات آتش‌زدن طاق‌های جشن شاهانه در مهر ماه ۱۳۵۰ از سوی مأموران ساواک شناسایی و بازداشت شدند. این دو رفیق پس از تحمل شکنجه‌های ساواک رشت، برای محاکمه در دادگاه نظامی به زندان تبریز انتقال یافتند و در محکمه نظامی به سه سال زندان محکوم گردیدند.

رفیق حسن فرجودی شخصیتی بسیار متین، صمیمی و قابل اعتماد داشت و در میان زندانیان سیاسی از محبوبیتی خاصی برخوردار بود. (دوستانش، شوخی‌وار او را «دایمی نفتی» و احمد غلامیان را «عمو نفتی» می‌نامیدند) رفیق حسن فرجودی در طول سال‌های زندان، شبانه روز در حال مطالعه بود و به بهره‌گرفتن از رفقای مجرب در زندان و اخذ دانش و تجربه آن‌ها لحظه‌ای را هم از دست نمی‌داد و جزو آن دسته از رفقا بود که در جریان بحث‌های نظری درون زندان از نظریات رفیق جزنی دفاع می‌کرد و پاره‌ای از اندیشه‌های نخستین سازمان را مورد نقد قرار می‌داد. رفیق حسن پس از طی دوره محکومیت، در مهرماه سال ۱۳۵۳ از زندان قصر آزاد و مدتی بعد همراه رفیق هادی وارد شبکه مخفی سازمان شد. حسن در سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ با نوشتن مقالاتی در نشریه تئوریک درون سازمانی قویاً از ضرورت کار صنفی - سیاسی دفاع می‌کرد. او با آنکه به مرحله تردید در نظریه رفیق جزنی مبتنی بر «محوری بودن مبارزه مسلحانه» فرا نروید، اما در نوشته‌های خود پیوسته بر تأکیداتش در زمینه لزوم کار صنفی - سیاسی می‌افزود. او در اواخر سال ۱۳۵۴، به عنوان معاون رفیق جان‌باخته محمدحسین حق‌نواز که عضو مرکزیت پنج‌نفره سازمان و مسئول شاخه خراسان بود، برگزیده شد و بدین ترتیب در جوار رهبری سازمان قرار گرفت.

برای کسی که در کار سیاست است بسیار اتفاق می‌افتد

در تاریخ خونبار سازمان، هر یک از بنیانگذاران و یا رهبران ماکه اکثریت قاطع آن‌ها طی هفت سال اول حیات سازمان جان بر سر آرمان‌ها و راه جنبش فدایی گذاشتند، یا به دلیل نقشی که در بقا و رشد سازمان ایفا کردند و یا به خاطر ویژگی‌های شخصیتی، جای ویژه‌ای دارند. دریغ که حق همه این‌ها به یکسان ادا نشده‌است. اگر چه در طول بیست و شش سال گذشته، برخی از چهره‌های اصلی جنبش فدایی کمابیش شناخته شده‌اند، ولی رفاقی هم هستند که شناخت عمومی در باره آنان نه تنها بسیار نازل بلکه گاه به کلی ناموجود است. رفیق حسن فرجودی با نام سازمانی رفیق رحیم در زمره چنین رفاقی است. رفیقتی که، بیست سال پیش در آستانه نوروز ۱۳۵۶ زیر شکنجه‌های فوق‌العاده وحشتناک ساواک سیرد، بی آنکه لب از لب بکشد و یا اجازه دهد که زهرخند پیروزی بر صورت دژخیمان بنشیند.

## رفیق حسن فرجودی که بود و چه کرد؟

رفیق حسن فرجودی زاده سال کودتای ۲۸ مرداد و بزرگ‌شده یک خانواده تهیدست و زحمتکش در یکی از روستاهای شهر لنگرود بود. او دوره دوم دبیرستان را می‌گذراند که با برخی از روشنفکران انقلابی چپ شهر خود آشنا شد و به جنبشی پیوست که مراحل شکل‌گیری نهایی خود را طی می‌کرد و می‌رفت تا دو سال بعد به نام جنبش فدایی برآمد کند.

رفیق فرجودی در جریان نمایش‌های شاهانه ۲۵۰۰ سال شانشاهی، چون بسیاری از جوانان سردم‌خواد و میهن دوست با موج اعتراض خشم آگین علیه برنامه ضد مردمی و ضد ملی شاه دیکتاتور در آمیخت و همراه با نزدیک‌ترین یار خود، رفیق احمد غلامیان لنگرودی با ریختن نفت روی چندین طاق برپا شده توسط ایادی رژیم شاه در لنگرود، آن‌ها را به آتش کشید.

(رفیق احمد غلامیان با نام سازمانی هادی، در سال ۱۳۵۳ به همراه رفیق فرجودی از زندان آزاد و چند ماه بعد همراه هم وارد شبکه مخفی سازمان شدند. رفیق غلامیان در

نقش برجسته‌ای ایفا کرد. رفیق حسن، همزمان هم در برابر گرایش ذوب سازمان در حزب توده و هم گرایش رجعت سازمان به اندیشه‌های اولیه سازمان، قاطعانه ایستاد. رفیق حسن، طی هفت ماه یعنی از مرداد ماه ۱۳۵۵ تا اسفندماه همان سال، به محور بازسازی مجدد سازمان بدل شد. او کار سترگی را پیش برده بود. ولی کار بسیار بزرگ‌تر وی هنوز در پیش بود. سازمان مجدداً جان گرفته و روی پای خود ایستاده بود، اما سازمان هنوز هم به دلیل فقدان امکانات مالی و قلت خانه‌های میزبان از یکسو و کمبود کادرهای ورزیده از سوی دیگر، به شدت در وضع شکننده‌ای قرار داشت. بر زمینه چنین نارسایی‌های چشمگیر بود که وقتی رفیق حسن براتر یک بی‌احتیاطی توسط مأموران ساواک در یکی از کاراژه‌های مشهد بازداشت گردید، چنان حجمی از اطلاعات را با خود به اتاق شکنجه می‌برد که شاید در تاریخ سازمان مشابه آن را نمی‌توان یافت. به جرئت می‌توان گفت که هرگاه حسن زیر ضرب بازبان و داغ درفش لب به سخن می‌گفت، تقریباً همه سازمان مخفی موجود منهدم می‌شد. اما حسن سخن نگفت. او هیچ نگفت. حتی در چند روزی که زیر شکنجه‌های غیرقابل وصف قرار داشت. نام خود را نیز فاش نکرد. دژخیمان بارها او را راکشند و زنده کردند اما انسان را دست از پای کوتاه ماند و حسن لب‌ها را همچنان بسته و دوخته، شکنجه‌گران از او خواستند که سخن بگوید تا بماند و نگیرد. اما او دندان خشم بر جگر خسته بست و رفت. تنها آنان که تازیانه خورده‌اند، زهر شکنجه دیده‌اند و زجر کشی را به دیده دیده‌اند، می‌توانند دریابند که رفیق حسن چه حماسه‌ای آفرید.

رفیق حسن، جنبشی که او را بار آورده بود و خود وی نیز آنرا از جان و دل داد بود، عاشقانه می‌پرستید. مسئولیت او در قبال رفاقیش از این عشق ناشی می‌شد. او سرشار از امید به آینده بود و به انسان و سوسیالیسم عشق می‌ورزید. مزدوران سینه او را با دشنه شکافتند تا شاید که بر اسرار سینه‌اش دست یابند، اما سزاو عشق او بود که اغیار را دسترسی به دایره این عشق ممکن نیست. رفیق حسن آزمون دهنده بزرگ آزمون بزرگ بود و خروش سازمان در انقلاب بهمین، میراث سکوت رفیق حسن.

امیرا شاه‌کوت رفیق پاد. جوادانه خاطره‌اش گرامی باد.

# مواضع سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در قبال جریان‌های سیاسی

هفته‌نامه عصر ما، طی مقاله‌ای تحت عنوان «مرز میان نیروهای خودی، مخالف قانونی و محارب»، مواضع سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را در برابر جریان‌های اصلی سیاسی کشور توضیح داده است. این مقاله در ابتدا به سلسله مقالات گذشته این نشریه که مواضع جناح‌های سیاسی هوادار «نظام» را مورد بررسی قرار داده بود، اشاره شده است. در آن مقالات جناح‌های درون «نظام» به چهار جریان: «راست سنتی»، «راست مدرن»، «چپ جدید» و «چپ» تقسیم شده و مواضع هر یک از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته بود. در آن مقالات مواضع جناح «راست» جنبه انحصارگری و سرکوب‌گرانه‌اش نقد شده بود. در مقاله اخیر آمده است: «این موضع‌گیری، خصوصاً در مراحل ابتدایی، انتقادات و ابهاماتی را سبب شد که مهم‌ترین آن‌ها در دو دسته خلاصه می‌شد. عده‌ای به کالبد شکافی طیف‌های خودی از سوی عصر ما، انتقاد کرده و معتقد بودند که این نشریه دشمنان و مخالفان انقلاب و نظام را به فراموشی سپرده و دوستان انقلاب را بی‌رحمانه مورد تهاجم قرار می‌دهد و سبب انشقاق در نیروهای خودی می‌شود. گروهی دیگر با مطالعه دیدگاه‌های عصر ما نسبت به برخی از طیف‌ها دچار ابهام شده‌اند که چگونه ما علی‌رغم داشتن چنین مواضع و دیدگاه‌هایی نسبت به برخی طیف‌ها، کماکان آن‌ها را «خودی» و «دیگری» که شاید از نظر فکری به ما نزدیک‌تر باشند، «غیر خودی» تلقی می‌کنیم. در پاسخ به این مسائل در مقاله گفته شده است: «در یک جامعه می‌توان نیروهای سیاسی را از

منظره‌های مختلف نظیر مواضع فکری، وابستگی طبقاتی، دوری و نزدیکی آن‌ها با نظام حاکم و ... مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. در این مجموعه ما طبقه‌بندی جدیدی از نیروهای سیاسی موجود به حسب دوری و نزدیکی آن‌ها با نظام و حاکمیت ارائه می‌دهیم. به طور کلی و در تمامی جوامع نیروهای سیاسی را به سه دسته کلی «طرفدار نظام»، «مخالف قانونی» و «برانداز و محارب» تقسیم می‌کنند. به اعتبار نزدیکی و دوری این سه دسته با نظام، دسته اول را «خودی» و دسته‌های دوم و سوم را «غیر خودی» می‌نامند. ولی بر حسب پذیرش فعالیت قانونی و یا غیر قانونی، دسته اول و دوم را گروه‌های «قانونی» و دسته سوم را «غیر قانونی» می‌خوانند. این مقاله اصولی را که بر مبنای این تقسیم‌بندی شکل گرفته؛ چنین توضیح می‌دهد:

۱ - استقلال ملی: در این زمینه نیروهای طرفدار نظام به استقلال اعتقاد دارند و در این راه آماده مبارزه و فداکاری می‌باشند. طرفداران قانونی به استقلال اعتقاد دارند ولی تلاش عمده‌ای در این جهت ندارند و محاربین در این رابطه مواضع گوناگونی دارند.

۲ - تمامیت ارضی: در این رابطه نیز موافقین و مخالفین قانونی به تمامیت ارضی کشور اعتقاد دارند و محاربین مواضع گوناگونی دارند.

۳ - حقانیت نظام: در این رابطه موافقین نظام را برحق می‌دانند ولی مخالفین قانونی و محارب هیچ‌یک اعتقادی به نظام ندارند.

۴ - مشروعیت نظام: مخالفین قانونی موجودیت نظام را می‌پذیرند و محاربین به هیچ‌وجه قائل به

با اصول مورد قبول نظام، ولایت فقیه و به کارگیری دین در اداره کشور؛ به دلیل حضورشان در مراکز قدرت، هوادار نظام شناخته می‌شوند. پس از خرداد سال ۱۳۶۰، تمامی گروه‌های مارکسیست، منافقین، خلق مسلمان، طرفداران بنی‌صدر و چندی بعد جبهه ملی و حزب توده به صف براندازان نظام پیوستند و تنها نهضت آزادی و برخی گروه‌های کوچک ملی و مسلمان در موضع مخالفین قانونی باقی ماندند. موافقین رژیم هم ابتدا به دو گروه راست و چپ و سپس به چهار گروه تقسیم شدند. هرچند عملکرد و مواضع برخی از آن‌ها ضرباتی به مراتب شدیدتر از مخالفین و گروه‌های برانداز بر پیکر نظام وارد می‌آورد. در سال‌های اخیر برخی نیروهای محارب به دلیل ناامیدی از توفیق خویش به سوی مخالفین قانونی نقل مکان می‌کنند.

مقاله تنها همکاری مابین نیروهای موافق نظام اصولی را می‌پذیرد و هر گونه همکاری با مخالفین قانونی رژیم را (با استناد در مقابل دشمن خارجی) رد می‌کند.

مقاله سپس مواضع حاکم بر نیروهای راست سنتی را که تلاش می‌کند نیروهای دیگر طرفدار نظام را به مخالفین قانونی؛ و مخالفین قانونی را به نیروهای براندازی بدل کند، مخرب و به ضرر نظام دانسته و می‌نویسد:

۱ - نظام می‌بایست همه گونه امکان فعالیت قانونی و سیاسی و برابر برای طرفداران نظام فراهم کند و از تلاش برای تبدیل آنان به سرسپردگان خویش پرهیز کند.

۲ - نظام می‌بایست همان مینا را در رابطه با مخالفین قانونی به کار گیرد. نمی‌بایست بر مبنای تحلیل از قصد و نیت یک جریان با آن برخورد کرد و اگر گروهی آماده فعالیت در چارچوب قانونی اساسی است، می‌بایست اجازه فعالیت قانونی داشته باشد.

۳ - برخورد با نیروهای برانداز می‌بایست قاطع، قوی و سرکوب‌گر باشد و در عین برخورد قاطع می‌بایست در راه تبدیل این نیروها به مخالفین قانونی نظام تلاش کرد.

## قهری که فراگیر می‌شود

توسعه انحصار قدرت در درون رژیم را ذکر می‌کند و نتیجه می‌گیرد: «حوزه‌های تجاوز به حقوق بشر بیش از آنست که در یک مقاله مختصر بتوان به همه آنها پرداخت. وسعت و کثرت آنها هر چه بیشتر می‌شود، کار دفاع از این حقوق نیز مشکل‌تر می‌گردد. تذکرها، شکایت‌ها و اعتراضات، به شکلی که از دست سازمانها و ارگانهای دفاع از حقوق بشر هر روز گسترش بیشتری می‌یابد، خشونت یا شدت افزون‌تر اعمال می‌شود. آزادیها محدودتر می‌گردند، انحصار طبلی قوت بیشتر می‌گردد، فساد اوج تازه می‌جوید و بیدادگری دامن خود را گسترده می‌سازد. روزنه‌های امید را هر روز بیشتر می‌بندد، جامعه را با سرعتی که در آن فزونی می‌یابد به جانب قهر و شورش می‌کشاند.»

مقاله سپس مجموعه‌ای از شواهدی که گسترش این روند را نشان می‌دهد نقل کرده و منجمله برخی اخبار در این زمینه مثل اعدام دست کم ۱۰۰ نفر طی ۶ ماه اول امسال، سنگسار کردن یک مرد و یک زن در ارومیه، قطع انگشتان یک سارق در تهران، گسترش سانسور کتاب و مطبوعات، تسهید و فشار بر نویسندگان و هنرمندان، سیاست حذف مخالفان و

## بزرگداشت هفتادمین سالروز

### سیاوش کسرای

کسرای از درد حرمان همه رنجبران جهان تاثیر می‌گرفت و برای همه شعر می‌سرود. او دیگر به شعرش بر نمی‌گشت، آن‌گاه که برانگیخته می‌شد، عواطفش را روی کاغذ داشت. در این مراسم که ده‌ها تن از فرهنگ دوستان مقیم برلین حضور داشتند؛ پس از پخش شعر «باور» با صدای شاعر، ابتدا خانم ملیحه محمدی منظومه «آرش کمانگیر» و «مهره سسرخ»، سیاوش را در کنار «سپهر» های زمانه که مخلوق خود سیاوش‌اند؛ قرار داد. آقای ابتهاج با سخنان خود، حاضران را به سال‌های دور مبارزه و تلاش مشترک با سیاوش و مرتضی کیوان برد، سایه از بدله‌گویی‌ها و احساسات قوی کسرای سخن گفت و این که او فقط تحت تاثیر احساس و عواطف و اعتقاداتش شعر می‌گفت و نه به سفارش این و آن.

کسرای از درد حرمان همه رنجبران جهان تاثیر می‌گرفت و برای همه شعر می‌سرود. او دیگر به شعرش بر نمی‌گشت، آن‌گاه که برانگیخته می‌شد، عواطفش را روی کاغذ داشت. در این مراسم که ده‌ها تن از فرهنگ دوستان مقیم برلین حضور داشتند؛ پس از پخش شعر «باور» با صدای شاعر، ابتدا خانم ملیحه محمدی منظومه «آرش کمانگیر» و «مهره سسرخ»، سیاوش را در کنار «سپهر» های زمانه که مخلوق خود سیاوش‌اند؛ قرار داد. آقای ابتهاج با سخنان خود، حاضران را به سال‌های دور مبارزه و تلاش مشترک با سیاوش و مرتضی کیوان برد، سایه از بدله‌گویی‌ها و احساسات قوی کسرای سخن گفت و این که او فقط تحت تاثیر احساس و عواطف و اعتقاداتش شعر می‌گفت و نه به سفارش این و آن.

### توضیح

در ارتباط با خبری که در شماره ۱۵۰ نشریه کار تحت عنوان «نشست مشترک» در صفحه خبری زیر عنوان «نشست مشترک» بچاپ رسیده بود، آقای محمود مهران ادیب مسئول دفتر اروپایی حزب ملت ایران توضیح زیر را برای ما ارسال کرده‌اند:

«در صفحه ۱۰ شماره ۱۵۰ آن نشریه گرامی خبری زیر عنوان «نشست مشترک» بچاپ رسیده بود که نام اینجانب نیز در متن به چشم می‌خورد. بجاست یادآور شوم من به هیچ‌عنوان در نشست مزبور شرکتی نداشته‌ام تا رسد که در پایان اجلاس بعنوان عضو شورای هماهنگی انتخاب شوم. اگر در این راستا اقدامی انجام گرفته بدون نظر خواهی از اینجانب بوده است که باید آن را به حساب لطف و محبت شرکت‌کنندگان محترم آن اجلاس نسبت به من دانست.»

## اطلاعیه بخشی از هواداران مجاهدین خلق

نظام سلطنتی و روی کار آمدن رژیم خمینی گردید. اطلاعیه با شعارهای «سرتنگون باد رژیم ارتجاعی و ضد خلقی آخوندیسم جنایتکار» و «برقرار باد استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و حاکمیت مردمی» خاتمه یافته است. این چندمین اطلاعیه‌ایست که در دوره اخیر با امضا هواداران مجاهدین خلق ایران منتشر می‌گردد. آنها بخشی از فعالین و اعضا سابق سازمان مجاهدین خلق ایران هستند. طیف جداشدگان از سازمان مجاهدین در دوران انقلاب ایدئولوژیک خود را سازمان مجاهدین و ادامه دهنده راه بنیانگذاران این سازمان دانسته و

نظام سلطنتی و روی کار آمدن رژیم خمینی گردید. اطلاعیه با شعارهای «سرتنگون باد رژیم ارتجاعی و ضد خلقی آخوندیسم جنایتکار» و «برقرار باد استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و حاکمیت مردمی» خاتمه یافته است. این چندمین اطلاعیه‌ایست که در دوره اخیر با امضا هواداران مجاهدین خلق ایران منتشر می‌گردد. آنها بخشی از فعالین و اعضا سابق سازمان مجاهدین خلق ایران هستند. طیف جداشدگان از سازمان مجاهدین در دوران انقلاب ایدئولوژیک خود را سازمان مجاهدین و ادامه دهنده راه بنیانگذاران این سازمان دانسته و

اطلاعیه‌ای در رابطه با حمایت از مبارزات کارگران پالایشگاه نفت تهران به امضا هواداران مجاهدین خلق ایران در آمریکا و کانادا، سوئد، فرانسه و نروژ انتشار یافته است. در این اطلاعیه ضمن گزارش تظاهرات کارگران و سرکوب آنان توسط مامورین رژیم اسلامی از همه نیروهای مبارز و آزادیخواه خواسته شده است که از این مبارزات حمایت نمایند. اطلاعیه با شعار «مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم» و «زنده باد آزادی پایان یافته است.» اطلاعیه دیگری با عنوان «گرامی باد خاطره قیام شکوهمند ۲۲ بهمن» و به امضا «جمعی از پیروان اندیشه شریعتی» و «هواداران مجاهدین خلق ایران» در سوئد انتشار یافته است. در این اطلاعیه گفته شده است رژیم شاه که با سرکوب جریانهای انقلابی و دمکرات کشور، مسبب و زمینه ساز اصلی حرکتی شد که موجب سقوط

## میزگرد و گفت و شنود

پیرامون اوضاع کنونی ایران و اپوزیسیون با شرکت:

عبدالرضا کریمی فرخ نگهدار داریوش همایون  
زمان: جمعه ۱۴ مارس - ساعت ۱۹  
مکان: کافه تریای آستا - دانشگاه بوخوم آلمان  
برگزارکننده: کانون حمایت از جنبش دمکراسی در ایران (بوخوم - درتموند)

### کمک‌های مالی

به خانواده زندانیان سیاسی از طرف تشکیلات جنوب آلمان ۵۰ مارک - رفقای فرانکفورت به سازمان ۷۰۰ مارک

### فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید  تمدید اشتراک  شماره اشتراک: ( )  
مدت اشتراک: شش ماه  یک سال

نام: \_\_\_\_\_ تاریخ: \_\_\_\_\_  
آدرس: \_\_\_\_\_  
Name: \_\_\_\_\_  
Address: \_\_\_\_\_

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست کنید!

### بهای اشتراک "کار"

اروپا:  
شش ماه - ۴۵ مارک  
یک سال - ۹۰ مارک  
سایر کشورها:  
شش ماه - ۵۲ مارک  
یک سال - ۱۰۴ مارک

GER.....3 DM

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v

Postfach 260268

50515 Koeln

Germany

آدرس:

I.G.e.v

22442032

37050198

Stadtsparkasse Koeln

Germany

دارنده حساب:

شماره حساب:

کد بانک:

شماره فاکس 0049 - 221 - 3318290 Fax

# فرار یکی از اعضای بلندپایه حزب کار کره شمالی

چندی پیش یکی از اعضای بلندپایه کمیته مرکزی حزب کار کره شمالی - حزب حاکم - در یک اقدام غیرمنتظره در سفر خود به چین به سفارت کره جنوبی در پکن پناه برد. پس از اقدام فوق بحث پیرامون موضوع اختلافات جدی در رهبری دولت کره شمالی دوباره شدت گرفت. در زیر بخش‌هایی از مصاحبه یکی از نشريات آلمانی با راینر ورنینگ که از آگاهان و متخصصان امور آسیای جنوب شرقی است، را می‌خوانید:

س - یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست کره شمالی - هوانگ چونگ یونگ - سفارت کره جنوبی در پکن پناه برد و با بهانه دیگری بنا به سانوی دولت کره شمالی رفته شده است. این عضو کمیته مرکزی کیست و چه نقشی در سیاست دولت کره شمالی ایفا می‌کرد؟  
ج - پروفیسور هوانگ چونگ یونگ از اعضای کهنه کار رهبری حزب کار و از نزدیکان کیم ایل سونگ، رهبر فقید کره شمالی و پسرش، کیم چونگ ایل به عنوان عضو کمیته مرکزی مسئول روابط خارجی در حزب و یکی از مهم‌ترین حلقه‌های ارتباطی پیونگ یانگ با جهان خارج بود. او یکی از طراحان و مدافعین ایدئولوژی پوچه که مبتنی بر دستبندی به سوسیالیسم تنها با امکانات خود و تمرکز بیش از حد دولت معرفی شده است، بود.

س - آ.آ. فرار هوانگ را می‌توان این چنین تفسیر کرد که اختلافات درونی در رهبری حزب حاکم شدت می‌گیرد؟ و اگر چنین است موارد اختلاف کدامند؟  
ج - طبیعی است که تصویری موجود - یکدستی در رهبری حزب - در جهان خارج واقعی نیست. اما تضادهای موجود در رهبری دولت آنتاگونیستی نیستند. هوانگ از اعضای غیر نظامی رهبری حزب کار و از طرفداران بازگشایی آرام روابط خارجی کره شمالی است. یکی از موارد انتقادی از جانب هوانگ متوجه نقش فزاینده نظامیان در رهبری موجود است. باید توجه بدهم که «رهبری عزیز» کیم ایل جونگ هنوز هم رسماً به عنوان رئیس حزب و دولت معرفی نشده است...

س - خبرگزاری‌های غربی به کرات مدعی شده‌اند که هوانگ برگرستی مردم در کره شمالی محه گذاشته است. در جایی که مردم از گرستی رنج می‌برند صحبت از سوسیالیسم بی معنا است. داری شا پیرامون روند جاری وضعیت اجتماعی در کره شمالی چیست؟  
ج - هوانگ آدم بسیار زیرکی است و مطمئن چنین سخنانی را اظهار

# تنها توفان کودکان ناهمگون می‌زاید

بقیه از صفحه ۹  
مواضع سیاسی موجود خود، از جمله در مورد کمک‌های اقتصادی به کره شمالی سازد. اما باید بگویم که من در موفقیتهای هوانگ تردید دارم. ولی تلاش او را ارزنده می‌دانم. در دسامبر سال ۱۹۹۳ در جلسه فوق‌العاده کمیته مرکزی حزب کار برای اولین بار در تاریخ این حزب همه آمار و ارقام دولتی مربوط به اجرای برنامه اقتصادی معرفی نگاه داشته شد. گرسنگی مطمئناً در بعضی از مناطق کره شمالی مردم را تهدید می‌کند. اما از این مورد نباید نتیجه گرفت که رهبری حاکم با مقاومت جدی مردم رو برو است. کسی که کره شمالی را می‌شناسد، می‌داند که مردم کره شمالی از همبستگی درونی و سیاسی قوی‌تری در مقایسه با اهالی کره جنوبی برخوردارند.

س - با توجه به وضع موجود، می‌توان گفت که کره شمالی نیز چاره‌ای جز مدل چین - سرمایه‌داری فئودالی - پیش روی خود ندارد. ج - نظر شما واقع‌بینانه نیست. اولاً چین به هیچ وجهی ایزوله نیست. چین از روابط همه‌جانبه‌ای با جهان خارج برخوردار است. نکته دیگر، عملکرد علنی متوجه روابط بین‌المللی و چشم‌انداز ساختمان سوسیالیسم است. ویژگی برجسته ایدئولوژی پوچه، سیاست فاصله‌گیری یکسان از چین و مسکو بود. از نقطه نظر امروز، این سیاست، آگاهانه و بدون اشکال است. علاوه بر این، رهبری کره شمالی تجربه چین و شوروی را پیش روی خود دارد و درس‌های لازم از این تجربه را نیز گرفته است. فقط کسی که تمایل دارد به جوانب متضاد نقش بسزایی دهد، روند موجود را در کره شمالی درک نخواهد کرد. من در کره شمالی ساختمان سوسیالیسم را مشاهده نمی‌کنم. در این کشور یک التقاط از دولت‌گرایی محض، ایدئولوژی ناکتوسیوسی و خارجی‌گرایی هدایت شده، همراه با برخی تأمین‌های اجتماعی، سیاست دولت را رقم می‌زند. این وضعیت تا چندی بعد هم چنان ادامه خواهد داشت.

س - با توجه به وضع موجود، می‌توان گفت که کره شمالی نیز چاره‌ای جز مدل چین - سرمایه‌داری فئودالی - پیش روی خود ندارد. ج - نظر شما واقع‌بینانه نیست. اولاً چین به هیچ وجهی ایزوله نیست. چین از روابط همه‌جانبه‌ای با جهان خارج برخوردار است. نکته دیگر، عملکرد علنی متوجه روابط بین‌المللی و چشم‌انداز ساختمان سوسیالیسم است. ویژگی برجسته ایدئولوژی پوچه، سیاست فاصله‌گیری یکسان از چین و مسکو بود. از نقطه نظر امروز، این سیاست، آگاهانه و بدون اشکال است. علاوه بر این، رهبری کره شمالی تجربه چین و شوروی را پیش روی خود دارد و درس‌های لازم از این تجربه را نیز گرفته است. فقط کسی که تمایل دارد به جوانب متضاد نقش بسزایی دهد، روند موجود را در کره شمالی درک نخواهد کرد. من در کره شمالی ساختمان سوسیالیسم را مشاهده نمی‌کنم. در این کشور یک التقاط از دولت‌گرایی محض، ایدئولوژی ناکتوسیوسی و خارجی‌گرایی هدایت شده، همراه با برخی تأمین‌های اجتماعی، سیاست دولت را رقم می‌زند. این وضعیت تا چندی بعد هم چنان ادامه خواهد داشت.

س - با توجه به وضع موجود، می‌توان گفت که کره شمالی نیز چاره‌ای جز مدل چین - سرمایه‌داری فئودالی - پیش روی خود ندارد. ج - نظر شما واقع‌بینانه نیست. اولاً چین به هیچ وجهی ایزوله نیست. چین از روابط همه‌جانبه‌ای با جهان خارج برخوردار است. نکته دیگر، عملکرد علنی متوجه روابط بین‌المللی و چشم‌انداز ساختمان سوسیالیسم است. ویژگی برجسته ایدئولوژی پوچه، سیاست فاصله‌گیری یکسان از چین و مسکو بود. از نقطه نظر امروز، این سیاست، آگاهانه و بدون اشکال است. علاوه بر این، رهبری کره شمالی تجربه چین و شوروی را پیش روی خود دارد و درس‌های لازم از این تجربه را نیز گرفته است. فقط کسی که تمایل دارد به جوانب متضاد نقش بسزایی دهد، روند موجود را در کره شمالی درک نخواهد کرد. من در کره شمالی ساختمان سوسیالیسم را مشاهده نمی‌کنم. در این کشور یک التقاط از دولت‌گرایی محض، ایدئولوژی ناکتوسیوسی و خارجی‌گرایی هدایت شده، همراه با برخی تأمین‌های اجتماعی، سیاست دولت را رقم می‌زند. این وضعیت تا چندی بعد هم چنان ادامه خواهد داشت.

س - با توجه به وضع موجود، می‌توان گفت که کره شمالی نیز چاره‌ای جز مدل چین - سرمایه‌داری فئودالی - پیش روی خود ندارد. ج - نظر شما واقع‌بینانه نیست. اولاً چین به هیچ وجهی ایزوله نیست. چین از روابط همه‌جانبه‌ای با جهان خارج برخوردار است. نکته دیگر، عملکرد علنی متوجه روابط بین‌المللی و چشم‌انداز ساختمان سوسیالیسم است. ویژگی برجسته ایدئولوژی پوچه، سیاست فاصله‌گیری یکسان از چین و مسکو بود. از نقطه نظر امروز، این سیاست، آگاهانه و بدون اشکال است. علاوه بر این، رهبری کره شمالی تجربه چین و شوروی را پیش روی خود دارد و درس‌های لازم از این تجربه را نیز گرفته است. فقط کسی که تمایل دارد به جوانب متضاد نقش بسزایی دهد، روند موجود را در کره شمالی درک نخواهد کرد. من در کره شمالی ساختمان سوسیالیسم را مشاهده نمی‌کنم. در این کشور یک التقاط از دولت‌گرایی محض، ایدئولوژی ناکتوسیوسی و خارجی‌گرایی هدایت شده، همراه با برخی تأمین‌های اجتماعی، سیاست دولت را رقم می‌زند. این وضعیت تا چندی بعد هم چنان ادامه خواهد داشت.

س - با توجه به وضع موجود، می‌توان گفت که کره شمالی نیز چاره‌ای جز مدل چین - سرمایه‌داری فئودالی - پیش روی خود ندارد. ج - نظر شما واقع‌بینانه نیست. اولاً چین به هیچ وجهی ایزوله نیست. چین از روابط همه‌جانبه‌ای با جهان خارج برخوردار است. نکته دیگر، عملکرد علنی متوجه روابط بین‌المللی و چشم‌انداز ساختمان سوسیالیسم است. ویژگی برجسته ایدئولوژی پوچه، سیاست فاصله‌گیری یکسان از چین و مسکو بود. از نقطه نظر امروز، این سیاست، آگاهانه و بدون اشکال است. علاوه بر این، رهبری کره شمالی تجربه چین و شوروی را پیش روی خود دارد و درس‌های لازم از این تجربه را نیز گرفته است. فقط کسی که تمایل دارد به جوانب متضاد نقش بسزایی دهد، روند موجود را در کره شمالی درک نخواهد کرد. من در کره شمالی ساختمان سوسیالیسم را مشاهده نمی‌کنم. در این کشور یک التقاط از دولت‌گرایی محض، ایدئولوژی ناکتوسیوسی و خارجی‌گرایی هدایت شده، همراه با برخی تأمین‌های اجتماعی، سیاست دولت را رقم می‌زند. این وضعیت تا چندی بعد هم چنان ادامه خواهد داشت.

پذیرش مبارزه سیاسی را دارد و نه آنرا می‌پذیرد». از نظر یک مارکسیست جاافتاده عجیب‌تر از این جمله کمتر پیدامی‌شود، چرا که به نظر او چون کارگر در بند آب و نان خویش است ناچار به مبارزه با ربایندگان این آب و نان روی می‌آورد.

توجه‌گیری، در روش نقطه مقابل توضیح‌گری، یعنی نقطه مقابل علم است. توضیح مسعود در خیلی از موارد یک توجیه است. مسعود از سرکردگان جنبش است که نخست زیر فشار دیکتاتوری و با الهام از سرمشق‌هایی چون کوبا و چین و جنبشهای آمریکای لاتین راه نبرد مسلحانه را پذیرفت. پس آنگاه به تدوین تئوری ملی یا بومی خود در دفاع از آن راه مشغول شد.

اما ایگاش تنها تئوری مسعود و مسعودها توجیه‌گر بود. متأسفانه اینطور نیست. توجیه‌گری تا به امروز هم پارزترین خصیصه تئوری سیاسی نزد گروه‌های سیاسی ایران است. به نسبت بضاعت فرهنگی اگر در نظر بگیریم، قطعاً کمتر ملتی به اندازه ایرانیان به خود دروغ سیاسی می‌گوید و نسبت به یافته‌های ذهن خود باورمند است. این ناتوانی در توضیح و تغییر جهان و تبحر در توجیه و تثبیت پندارها، نمودار یک بیماری مرگ آور در شیوه تفکر ملت ماست. ضرورت نبرد با این بیماری از ما می‌خواهد تا با خود و با جبهه سیاسی خود قبل از همه تعیین تکلیف کنیم. برای پرهیز از یک بررسی شتابزده، کار بررسی و نقد تاریخ و اندیشه جنبش فدائیان خلق را به نوشته دیگری که زیر عنوان «گلرله و گل» از شماره آینده آغاز می‌شود محول می‌کنم. در آنجا خواهیم کوشید شرایط و علل پیدایش جنبش فدائیان خلق

مهاجران ایرانی بود. فاصله‌ی زمانی این داستان تا نگارش داستان بعدی علوی به نام «سالاری‌ها» که در سال ۱۹۷۵ منتشر گردیده، ۲۵ سال است. آخرین داستان علوی «موریانه» نام دارد که در سال ۱۹۹۳ بعد از چهارسال تأخیر به چاپ رسید.

سال‌های طولانی زندگی در مهاجرت، اگرچه علوی را از مسائل ایران از نزدیک دور نگاه داشت ولی با این همه، او هیچ‌گاه در دیار غربت از یاد ایران غافل نشد و در تمام این سال‌ها، کار تدریس و پژوهش او در مسقط پرورسوری در دانشگاه همبوند در ارتباط با فرهنگ و ادب ایران بود. او در طول این دوران، آثار باارزشی را تدوین و منتشر کرده است. کتاب «تاریخ ادبیات جدید ایران و پیشرفت آن» را به زبان آلمانی نوشت که با عنوان زیر چاپ گردیده است. (Geschichte und Entwicklung der modernen Persischen Literatur)

در این کتاب درباره‌ی نویسندگان و شاعران معاصر ایران سخن رفته است. علوی آثار برخی نویسندگان فاصله‌ی زمانی این داستان تا نگارش داستان بعدی علوی به نام «سالاری‌ها» که در سال ۱۹۷۵ منتشر گردیده، ۲۵ سال است. آخرین داستان علوی «موریانه» نام دارد که در سال ۱۹۹۳ بعد از چهارسال تأخیر به چاپ رسید.

سال‌های طولانی زندگی در مهاجرت، اگرچه علوی را از مسائل ایران از نزدیک دور نگاه داشت ولی با این همه، او هیچ‌گاه در دیار غربت از یاد ایران غافل نشد و در تمام این سال‌ها، کار تدریس و پژوهش او در مسقط پرورسوری در دانشگاه همبوند در ارتباط با فرهنگ و ادب ایران بود. او در طول این دوران، آثار باارزشی را تدوین و منتشر کرده است. کتاب «تاریخ ادبیات جدید ایران و پیشرفت آن» را به زبان آلمانی نوشت که با عنوان زیر چاپ گردیده است. (Geschichte und Entwicklung der modernen Persischen Literatur)

# زندگی و آثار بزرگ علوی

بقیه از صفحه ۶  
۱۹۴۲ نوشت که گزارش‌گونه‌ی است از رویدادهای زندان. اگرچه بخش‌هایی از این کتاب تا حدودی به داستان نزدیک می‌شود ولی بخش عمده‌ی آن توصیف رویدادهای آن سال‌هاست با زبانی روان و ساده. البته علوی در این کتاب، در توصیف و بیان برخی رویدادها، فارغ از برخی مصلحت‌گرایی‌های سیاسی - حزبی نیست. اثر دیگر بزرگ علوی در سال‌های پس از زندان، مجموعه داستان «نامه‌ها» است که در سال ۱۹۵۱ منتشر شده است. داستان «گیله‌مرد» و «چشم‌هایش» دو اثر برجسته‌ی دیگر علوی است که در همین سال‌ها منتشر شد. «چشم‌هایش» که برخی آنرا بهترین کار علوی می‌دانند، داستان بلندی است به شیوه‌ی روایت‌گویی که در سال ۱۹۵۲ به چاپ رساند. این کتاب در سال ۱۹۵۵ به زبان آلمانی

ترجمه و منتشر گردیده است. سال‌های ۵۲-۱۹۴۱ در واقع اوج شکوفایی نویسندگی و آفرینش‌های علوی است. او در فاصله‌ی این سال‌ها، علاوه بر قلمی کردن کبیرا، در زمینه‌های دیگر فرهنگی نیز فعال بود. وی از جمله به تشکیل نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران سالی را رساند. اوهم‌چنان در این سال‌ها، مقالاتی در نشریات حزب توده، «سخن» و «پیام نو» می‌نوشت و به اتفاق صادق هدایت عضو شورای سردبیران «پیام نو» بود.

علوی در مارس ۱۹۵۳ مسافرتی به اروپا کرد. در همین ایام، کودتای ۲۸ مرداد در ایران به وقوع پیوست و او ناگزیر در مهاجرت ماند. بعد از مدتی در دانشگاه همبولت آلمان شرقی به کار تحقیق و تدریس مشغول گردید. او در نخستین سال اقامت در مهاجرت، داستان «میرزا» را نوشت که درباره‌ی مبارزات سیاسی و زندگی

# پاسخ وزارت امور خارجه آلمان در مورد بازداشت فرج سرکوهی

دهد. بدین وسیله امیدواریم موقعیت وی را درک نمایید... آقای کینکل وزیر امور خارجه از زمانی که اولین اطلاعات پیرامون موضوع سرکوهی بدست ما رسید با دولت ایران در تماس است. در این مورد به نامه به وزیر امور خارجه ایران و اعتراضات دیپلماتیک از طریق سفارت آلمان در تهران اشاره می‌کنیم. این تلاش‌های همه‌جانبه ادامه دارد. علاوه بر این بازار مشترک اروپا نیز موضوع را دنبال می‌نماید.

خانم‌ها و آقایان محترم! با تشکر از نامه شما در تاریخ ۷/۲/۱۹۹۷ متأسفانه آقای کینکل وزیر امور خارجه در موقعیتی قرار ندارد که به همه نامه‌ها شخصاً پاسخ

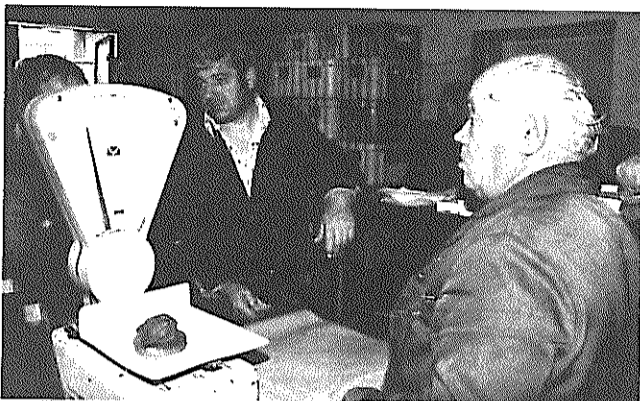
# شب همبستگی با فرج سرکوهی

روز پنج‌شنبه ۲۷ فوریه در محل «کارگاه فرهنگ برلین» شب همبستگی با فرج سرکوهی نوسنده در بند میهنان برگزار شد. در این مراسم چند نویسنده آلمانی، یک نویسنده هندی، شاعر و هنرمند یونان، نماینده عفو بین‌الملل، آقای عباس معروفی، خانم فرید زبرجد همسر فرج شرکت داشتند که خانم نسرین بصری اداره برنامه را به عهده داشت. در این برنامه که به استقبال جمع کثیر از ایرانیان و نیروهای دمکرات آلمانی روپسرو شد، قسمت‌هایی از نامه معروف سرکوهی به آلمانی قرت شد: نویسندگان آلمان حمایت خود را از سرکوهی اعلام و دولت متبوع خود را جهت تلاش برای آزادی سرکوهی موموظف دانستند. آقای معروفی متنی را ه تاریخ سپتامبر ۹۶ داشت و در آن به درد و رنج و شرایطی که نویسندگان ایرانی

# فراخوان برای بحث پیرامون هویت امروزین چپ ایران

فروپاشی «اردوگاه سوسیالیسم» و تحولات جهانی به ذهنیت نیروهای چپ در پهنه جهانی ضربه شدیدی وارد آورد و بازنگری در هویت چپ را در دستور روز قرار داد. چپ ایران نیز با تأثیرپذیری از این واقع و نیز انقلاب بهمن و پیامدهای آن به بازنگری در دیدگاه‌های خود پرداخت یکی از نتایج این بازنگری شکل‌گیری نیرویی بود که به چپ دمکراتیک موسوم گردید. بحث‌هایی که تا سال ۱۳۷۰ در سطح جنبش چپ ایران و سازمان ما پیش رفته بود، به تدوین سند هویت و تصویب آن در کنگره دوم سازمان انجامید. در این سند اعتقاد سازمان به دمکراسی، استقلال، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم تأکید گردید. اما تدوین سند هویت تنها گام نخست در بازنگری هویت سازمان بود و طبعاً نمی‌توانست سند دقیق و همه‌جانبه‌ای به حساب آید. از آن موقع بحث‌های نسبتاً گسترده پیرامون هویت چپ در سطح بین‌المللی جریان یافته و مباحث مربوط به هویت چپ در عرصه‌هایی پیش رفته است. در ایران نیز تحولات چشمگیری در بین نیروهای چپ رخ داده و تفکیک‌های معینی در شرف تکوین است. طبعاً در این روند مسئله چپ و بهره‌گیری از تحولات و تجربیات اخیر بویژه در بین بخشی از نیروهای تحول‌طلب چپ از جمله سازمان ما هم چنان مطرح است. شورای مرکزی سازمان با توجه به مسائل مزبور بار دیگر مسئله بحث پیرامون هویت امروزین چپ و تدقیق سند مصوب در کنگره دوم را در دستور کار خود قرار داده است و کمیسویی نیز برای سازماندهی این بحث‌ها و تدوین سند برگزیده است. این کمیسیون در نظر دارد بحث پیرامون هویت امروزین چپ را سازماندهی کند. کمیسیون از صاحب‌نظران درخواست دارد که فعالانه در این بحث شرکت جویند و مقالات خود را برای درج در نشریه کار ارسال دارند. نشریه کار مقالاتی را که به پیشبرد این بحث کمک کند، درج خواهد کرد. کمیسیون تدوین اسناد

## بلغارستان: گرسنگی در راه است



خبر کوتاه ولی دردناک بود. دو کودک در یکی از پرورشگاههای صوفیه پایتخت بلغارستان بر اثر گرسنگی جان سپردند. آنها مدت دو هفته با چای و سوپ تغذیه شده بودند. در بلغارستان اینک مدت‌هاست که نان و سایر مایحتاج مردم جیره‌بندی شده است. صندوق ارضی دولت خالی است. فقر و گرانای در این کشور بیداد می‌کند. منابع غیر رسمی آمار بیکاران را ۳۵ درصد و منابع دولتی آن را ۱۸ درصد اعلام کرده‌اند. یک سوم از مردم بلغارستان تنها می‌توانند با حقوق خود نان و شیر تهیه کنند. صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و بانک اروپا حاضرند وام‌های میلیاردی به بلغارستان اعطا نمایند در صورتی که دولت این کشور قیمت ارزاق و خدمات را به سطح کشورهای اروپای غربی ارتقا دهد. این در حالی است که سطح متوسط درآمد هر فرد بلغاری به ۱۰ دلار بیشتر نمی‌رسد. افزایش قیمت‌ها در بلغارستان همراه با بیکاری و سطح پائین درآمدها می‌تواند عواقب سیاسی وخیمی برای این کشور در بر داشته باشد.

## آلبانی: آغاز جنگ مسلحانه

در شماره گذشته نشریه کار طی مقاله‌ای با عنوان «آلبانی: مزه تلخ کاپیتالیسم» به ریشه‌های بحران این کشور اشاره شد. اینک بعد از گذشت دو هفته نبردهای سنگینی در این کشور در جریان است. تظاهرکنندگان که خواستار پرداخت خسارت از طرف دولت بودند در جنوب این کشور و از جمله در شهر «فلورا» به قرارگاههای پلیس و پادگانها حمله برده و تمامی انبار مهمات و سلاح‌های آن را به غنیمت بردند. آنها حتی چهار فروند کشتی جنگی راجت کنترل درآوردند و اعلام کردند به تیرانا حمله خواهند برد. با بروز درگیری‌های مسلحانه، دولت آلبانی و رئیس‌جمهور آن «پریشا» اعلام حکومت نظامی نمود و واحدهای زرهی ارتش را به جنوب این کشور اعزام داشت. سه‌شنبه هفته گذشته دو افسر نیروی هوایی این کشور با هواپیماهای خود به ایتالیا پناهنده شدند و اعلام کردند آنها دستور بمباران مردم بیگناه را داشته‌اند که دولت آلبانی این ادعا را تکذیب نمود. برای مقابله با گسترش شعله آتش جنگ نیروی دریایی ارتش ایتالیا به حالت آماده‌باش درآمد و دولت یونان نیروهای نظامی به مرزهای مشترک‌اش با آلبانی ارسال داشت. روز پنجشنبه ۶ مارس دولت و اپوزیسیون در تیرانا به توافق رسیدند که به شورشیان ۴۸ ساعت مهلت داده شود تا اسلحه‌های خود را زمین بگذارند و بعد از آن عفو عمومی اعلام خواهد شد.

## موفقیت‌های سندیکاها در کره جنوبی

سندیکاهای کارگری کره جنوبی تهدید نمودند در صورتی که طرح ضد کارگری که توسط رئیس‌جمهور از تصویب مجلس گذرانده شده است پس گرفته نشود، موج جدید اعتصابات این کشور را فرا خواهد گرفت. به دنبال این تهدیدات رئیس‌جمهور کره «کیم یونگ سام» در یک پیام تلویزیونی از مردم این کشور رسماً معذرت خواست که این قانون ضد کارگری را بدون حضور اپوزیسیون از مجلس گذرانده است و موجبات «ناراحتی» مردم را فراهم ساخته است.

گفت هیچکدام از اقدامات دولت علیه حکومت لائیک در ترکیه نبوده است و هیچ فردی اجازه ندارد از مذهب برای مقاصد سیاسی بهره‌برداری نماید. اربکان در مقابل این بیانیه اعلام کرد: قانون‌گذاری با دولت و مجلس است و «شورای امنیت ملی» فقط نقش مشورتی را دارد اما در عین حال یک گام عقب‌نشینی و قبول داد از «تشنش‌ها» جلوگیری نماید و با نمایندگان اپوزیسیون به مذاکره بنشیند.

اینک جبهه‌بندی‌ها در ترکیه واضح و مشخص شده است. اربکان از سوی اسلامیت‌ها و تندروهای حزب رفاه برای اسلامی نمودن ترکیه تحت فشار قرار دارد. از سوی دیگر وی تحت فشار لائیک‌هاست و شمیر داموکلس ژنرال‌ها نیز بر سر وی سایه افکنده است. وی تا چه حد و تا چه زمان این فشار را تحمل خواهد کرد هنوز نامشخص است. این صیف‌بندی در جامعه ترکیه آینده این کشور را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است و هر قدم انجمنی می‌تواند این کشور را به الجزایر دوم تبدیل سازد.

سیصد هزار پناهنده و مهاجر جنگی دارد.

«محمد زهنون» دیپلمات الجزایری و نماینده ویژه سازمان ملل برای زیر طرح پنج ماده‌ای صلحی را که در تاریخ ۱۸ فوریه به تائید آن سازمان رسید برای به اتمام رساندن جنگ به طرفین ارائه داد که مورد توجه قرار نگرفت. پس از آن «نلسون ماندلا» طرفین درگیر را به مذاکره دعوت نمود که نتیجه آن امضا قرارداد آتش بس بین دولت و نیروهای اپوزیسیون زیر شد. به نظر می‌رسد این آتش‌بس از دوام زیادی برخوردار نباشد، زیرا موبوتو دیکتاتور زئیر که تمامی سرمایه‌های این کشور را به حساب‌های شخصی خود در اروپا واریز نموده، مبتلا به بیماری سرطان است و دیر یا زود خواهد مرد و خلا قدرت در این کشور آشکار خواهد شد و به احتمال قوی راه برای پیروزی اپوزیسیون این کشور به رهبری کابایلا باز خواهد شد.

متخصصان مسائل آفریقا معتقدند بحران زئیر آغاز بحران فراگیری است که همه قاره را در بر خواهد گرفت. اکثر کشورهای جوان آفریقا که با پایان گرفتن دوران استعمار، از طرف کشورهای استعمارگر بر روی نقشه جغرافیایی طراحی شدند، اینک بعد از گذشت ۳۵ سال با بروز درگیری‌های قومی روبرو هستند و روند تجزیه خود را آغاز کرده‌اند.

## مهارگرانی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری

شوروی به این بازار در اواخر دهه هشتاد شکست. از سوی دیگر کشورهای پیشرفته مصرف یکسویه انرژی خود را بعد از بحران نفت در دهه هفتاد با استفاده از انرژی‌های اتمی، باد و خورشیدی چندسویه نمودند. این کشورها همچنین موفق شدند با اجرای قراردادهای چندجانبه همانند STABEX و SYSMIN بازار مواد خام و اولیه را از گزند تلاطمات قیمت‌ها محفوظ بدارند. اتحادیه اروپا با این دو قرارداد و با در نظر گرفتن چند میلیارد اکو (واحد پول بازار مشترک) یا معادل آن ثبات قیمت مواد معدنی و کشاورزی را در صورت بروز حوادث غیرمترقبه تامین می‌نماید.

یکی دیگر از دلایل ثبات قیمت‌ها در کشورهای پیشرفته افزایش روند اتوماتیسیون و ورود روبات‌ها و کامپیوتر به روند تولید است که باعث کاهش قیمت کار انسانی در این روند شده است که البته آنسوی سکه بیکاری فزاینده در این کشورها می‌باشد.

## کارت زرد برای اربکان

بیانیه نظامیان ترکیه:

از این واضح‌تر و روشن‌تر تهدید به کودتا نکرده بودند. چند روز بعد از این بیانیه خطوط اصلی طرح مبارزه با دشمنان سیستم لائیک ترکیه به افکار عمومی ارائه شد. طبق آن دولت موظف است: به جایجایی کارمندان و جایگزینی اسلامیت‌ها در سیستم اداری پایان دهد، طرفداران حکومت مذهبی مجازات خواهند شد، مطبوعات، رسانه‌ها و مدارس مذهبی تحت کنترل قرار خواهند گرفت. «دنیس بایکال» رهبر حزب سوسیال دموکرات ترکیه این بیانیه را به منزله پایان دولت اربکان تلقی کرد. «مسعود یلمان» رهبر حزب مام وطن از این بیانیه به عنوان «تنبیه‌نامه» دولت اربکان نام برد. «تنسو چیلیر» وزیر خارجه و متحد دولت اربکان از ارتش بعنوان «حافظان دموکراسی» یاد نمود و

می‌گند. ژنرالهای ترکیه طی هشت ماه حکومت اربکان در مقابل حوادث این کشور سکوت اختیار کرده بودند. آنها روز دوشنبه هفته گذشته طی بیانیه شدیدالحتی که از زمان کودتای سال ۱۹۸۰ تا به امروز بی‌سابقه بوده است، به وی اخطار نمودند. در بیانیه «شورای امنیت ملی» که در آن رئیس‌جمهور، پنج ژنرال، نخست‌وزیر، وزیر دفاع، کشور و خارجه عضویت دارند آمده است: «نیروهایی در صدد هستند سیستم لائیک و دموکراتیک ترکیه را به خطر اندازند». آنها هشدار دادند «دشمنان رژیم» را «سرکوب» خواهند کرد و برای این کار طرحی ارائه خواهد شد که غیر نظامیان عضو شورای امنیت ملی موظف‌اند تا این طرح را به مورد اجرا بگذارند. تا به امروز ژنرالهای ترکیه

هر روز بین ساعات ظهر و بعد از ظهر تعداد زیادی از طرفداران حکومت لائیک پای مجسمه آتاتورک در شهر آنکارا جمع می‌شوند و ناراضی خود را از آنچه که در ترکیه می‌گذرد اعلام می‌دارند. گفته می‌شود از زمانی که اربکان به سمت نخست‌وزیری انتخاب شده بیش از شصت هزار نفر از کارمندان دولت ترکیه دریافت نموده‌اند و پست آنها به اسلامیت‌ها و اعضای حزب رفاه واگذار شده است. به نظر می‌رسد اربکان بتدریج سیستم سیاسی ترکیه را دگرگون می‌سازد. در مقابل اسلامیت‌ها با پرچم‌های سبز و شعارهای اسلامی خواهان اجرای احکام شریعت و حکومت اسلامی در این کشور هستند. ترکیه ایستن هوادانی است که الجزایر را تداعی

## زئیر: فاجعه یا امید



بی‌طرف مانده‌اند. دلیل آن هم بسیار ساده است: مردم زئیر در مبارزه روزمره خود برای سیر کردن شکمشان، با فقر و گرسنگی درگیر هستند. «اما بونین» که از طرف اتحادیه اروپا کیمبار و مامور رسیدگی به امور پناهندگان در زئیر است صحبت از

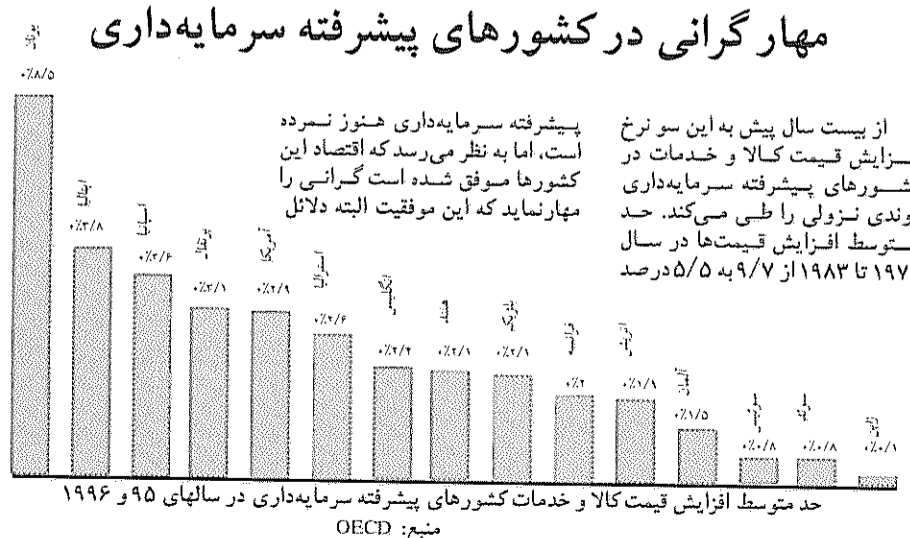
زئیر قرار دارند رسیده‌اند. متخصصان نظامی می‌گویند اگر وی موفق شود «کیزانگانی» را تصرف کند در نبرد شرق زئیر پیروز شده است و احتمالاً تمام زئیر سقوط خواهد کرد. کابایلا بارها گفته است که مردم با من هستند. تاکنون مردم در این مبارزه

آنچه که در اکتبر سال ۱۹۹۶ در زئیر به عنوان شورش یک اقلیت قومی آغاز شد، اینک به یک بحران همه‌جانبه و فراسرزی در آفریقا فرا روتیده است.

«موبوتو» دیکتاتور زئیر که بیش از ۳۰ سال بر این کشور حکومت می‌راند، مزدوران نظامی از کشورهای بلژیک، فرانسه، اوکراین و آفریقای جنوبی برای برون رفت از بحران و سرکوب اپوزیسیون اجیر نموده است. مشاوران نظامی چینی به کمک شتافته‌اند و معمر قذافی می‌خواهد بمب‌افکن‌های خود را به این کشور ارسال دارد. حتی فراریان «هوتو» نیز در این جنگ سهیم هستند.

«لورنس» دژیریه کابایلا» از همزمان سابق «چه‌گوارا» و رهبر «جبهه دموکراسی برای آزادی کنگو - زئیر» به همراه اقلیت قومی «توتسی» و با کمک نظامی اوگاندا، رواندا، پروندی، اتیوپی و اریتره با شعار آزادی برای زئیر علیه حکومت مرکزی می‌جنگد. در پشت پرده فرانسه و بلژیک به کمک موبوتو شتافته‌اند و ایالات متحده آمریکا در عوض به اوگاندا و رواندا کمک می‌رساند.

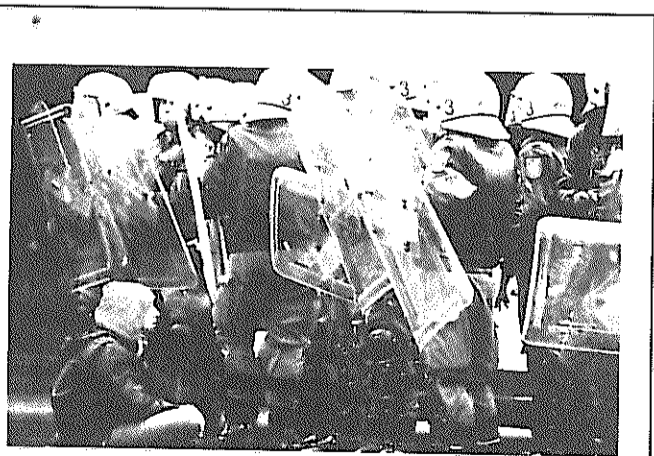
کابایلا در مصاحبه مطبوعاتی خود نوید پیروزی نهایی را داد و گفت بعد از پیروزی انتخابات آزاد انجام خواهد گرفت. نیروهای وی طی مدت چهار ماه موفق شده‌اند یک پنجم اراضی زئیر را به تصرف خود درآورند و به نزدیکی شهاب که در آن معادن مس



چندانی دارد و یکی از اهم آن پائین بودن قیمت مواد خام و اولیه و بخصوص قیمت نفت خام است. قدرت انحصاری اوپک در بازار نفت با آغاز بهره‌برداری از نفت دریای شمال و ورود جمهوری‌های سابق

و تا سال ۱۹۹۴ به پائین‌ترین حد آن یعنی ۲/۶ درصد رسید. اگرچه شیخ گرانی در کشورهای

چندانی دارد و یکی از اهم آن پائین بودن قیمت مواد خام و اولیه و بخصوص قیمت نفت خام است.



با بسیج ۳۰ هزار پلیس و با هزینه‌ای بیش از ۱۰۰ میلیون مارک دولت آلمان سیاست خود در مورد انبار نمودن زباله‌های اتمی را در مقابله با اراده‌ی کم‌سابقه مردم پیش برد. عکس فوق حضور وسیع پلیس که پس از پایان جنگ جهانی دوم در تاریخ آلمان بی‌سابقه بوده را در مقابله با تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم نشان می‌دهد.